

چهارمیر

بازتعریف نقش
مادری در خانواده



به کوشش: حسین یوسفیان

نام اثر: فاطمه‌ای دیگر

پژوهشگران: حسین یوسفیان، رضا زندوکیلی، موسی محمدآبادی، حسین جوادی‌صدر، حمید قاسمی.

ویراستار: موسی محمدآبادی

گرافیک: عباس ترخان

صفحه‌آرا: محمد سعیدی

ناشر: ویراستاران

نوبت چاپ: اول، پاییزه ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۶۱۱-۰-۶

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، چهارراه زرتشت، ساختمان

نواب، طبقه سوم. ۰۲۱۸۸۹۶۳۴۵



فهرست

- ۹ _____ درآمد
- ۱۷ _____ مجلس اول: مادرانه‌های فاطمی
- ۲۰ _____ مقدس‌ترین واژه
- ۲۱ _____ از نگاه فاطمه
- ۲۱ _____ فاطمه‌ای دیگر
- ۲۲ _____ فاطمه علیها السلام که بود؟
- ۲۳ _____ مادری که مادری می‌کرد!
- ۲۳ _____ چرا «مادری»؟
- ۲۶ _____ «مادری» یعنی...
- ۲۷ _____ دفاع از پدر
- ۲۸ _____ خانه‌ای به وسعت بهشت
- ۲۹ _____ بهترین شفیع
- ۳۰ _____ مادرانه‌های فاطمی
- ۳۱ _____ مادری در قیامت
- ۳۳ _____ مجلس دوم: مادری که مادری می‌کرد!
- ۳۵ _____ مادری به نام زهرا علیها السلام
- ۳۷ _____ مادری چیست؟ مادری برای پدر
- ۳۸ _____ شمع جمع خانواده

- ۳۹ _____ بزرگی خانۀ مایی
- ۴۰ _____ لعنت به والدینی که ...
- ۴۰ _____ رحمت به والدینی که ...
- ۴۱ _____ مادری کن!
- ۴۲ _____ خطایی بزرگ
- ۴۳ _____ مادری یعنی ...
- ۴۴ _____ تربیت به سبک فاطمه علیها السلام
- ۴۵ _____ ابزار مادرانه
- ۴۶ _____ مهربان‌ترین مادر
- ۴۶ _____ تربیت فاطمی
- ۴۸ _____ مادرم نجاتم داد
- ۵۳ _____ **مجلس سوم: رنج شیرین مادری**
- ۵۶ _____ قانون زندگی
- ۵۷ _____ آرامش فاطمی
- ۵۸ _____ راه رشد
- ۵۹ _____ هدف را ببین!
- ۶۰ _____ مانعی برای رشد؟!
- ۶۱ _____ کارگزار خدا
- ۶۱ _____ خانواده آرمانی
- ۶۲ _____ تجربه خانواده
- ۶۳ _____ آینده‌ای روشن
- ۶۴ _____ رنج و شیرینی
- ۶۵ _____ لذت مادری
- ۶۸ _____ تنهایی مادرا!
- ۶۸ _____ زندگی را از بالا ببین!
- ۶۹ _____ بن بست شکن باش!

- ۷۳ _____ **مجلس چهارم: مانند فاطمه علیها السلام**
- ۷۳ _____ مادران نمونه
- ۷۴ _____ مادر و خانواده
- ۷۵ _____ مانند فاطمه علیها السلام
- ۷۷ _____ مادری و کارمندی؟!
- ۷۷ _____ شغل مادر
- ۷۸ _____ تأثیر زنان
- ۸۰ _____ اثرگذار تویی!
- ۸۱ _____ نابغه قرن
- ۸۲ _____ ما مسئولیم!
- ۸۳ _____ مدیریت زن در خانه
- ۸۳ _____ مهارت‌های زندگی
- ۸۴ _____ تدبیر کن!
- ۸۵ _____ تقسیم کار
- ۸۹ _____ **مجلس پنجم: عبادت‌های خانوادگی**
- ۹۲ _____ عبادت چیست؟
- ۹۲ _____ فتنه‌های زندگی
- ۹۳ _____ مانند فاطمه
- ۹۴ _____ از خانه تا بهشت
- ۹۵ _____ مناسک عبادتگاه خانه
- ۹۵ _____ هم‌سنگ عبادت
- ۹۶ _____ هم‌نام شهادت
- ۹۷ _____ ساعتی بهتر از...
- ۹۸ _____ بندگی و زندگی
- ۹۹ _____ جهاد زنان
- ۱۰۰ _____ اعتبار مجاهدان

- ۱۰۰ _____ ارزش مادری
- ۱۰۲ _____ برترین محراب
- ۱۰۲ _____ رفتارهای غلط
- ۱۰۵ _____ نور چشم ما
- ۱۰۶ _____ بهترین همراه
- ۱۰۹ _____ **کتابنامه**



درآمد

همهٔ آفرینش را فشرده کردند: شد فاطمه علیها السلام. و فاطمه علیها السلام همهٔ زندگی اش را عصاره کرد: شد مادری. علی علیه السلام شاهکار بی‌بدیل آفرینش بود. محمد صلی الله علیه و آله نیز گل سرسبید همهٔ آفریده‌ها. اما خدای مَنان بر سرِ محمد صلی الله علیه و آله مَنّت گذاشت، خلقت علی علیه السلام را و بر سرِ علی علیه السلام نیز مَنّت نهاد، آوردن فاطمه علیها السلام را.

معصومان نمایندگان ممتاز خدایند در زمین و سفره گسترده‌اند برای من و تو و برای خوشی دنیا و آخرت‌مان. سفره‌گردان این مهمانی کسی نیست جز زهرای اطهر علیها السلام. این تک‌بانوی حلقهٔ معصومان، از خدای احد و واحد، فضیلت‌های نابی گرفته است:

مهر او همهٔ ذخایر آسمان و زمین است و مهر او شعله‌ور در ضمیر بندگان خالص. نام او را آسمانیان به‌هلهله می‌برند و یاد او را شیعیان به‌افتخار. صبر او کوه را آب می‌کند و خُلق او آتش را سرد. عفت او حیا را معنی می‌کند و کلام او دسیسه‌ها را بی‌معنی. ولایت را تا پای جان پاسدار است و شهادت را تا عمق جان خواستار. این‌ها، همه، فاطمه علیها السلام است و فاطمه علیها السلام، همه، این نیست.

پیش از همهٔ این فضایل و بیش از همهٔ این مناقب، او یک امتیازِ دیگر هم دارد. فاطمه علیها السلام را فاطمه علیها السلام می‌دانند، اول به

آن صفت و آخر به آن جهت. ویژگی ویژه‌ای که بر پیشانی بلندش می‌درخشد و نورعلی‌نوری که از او در سرسرای تاریخ پیچیده است، این‌ها نیست. چیز دیگری است که محور وجود اوست و همهٔ وصف‌های دیگرش گرداگرد آن محور می‌چرخند و بیکرهٔ این شاهکار خلقت را آذین می‌بندند. فاطمه علیها السلام، فاطمه علیها السلام است به آن، و آن چیست؟ «مادری!»

این فاطمه علیها السلام بود که با مادری‌اش به نقش «مادری» عمق بخشید. بله، فاطمه علیها السلام مادری‌اش محدود نبود به خانهٔ کوچکی که در آن زندگی می‌کرد. او اثبات کرد که «مادری» مفهومی است که محدود نمی‌شود به نگهداری یکی‌دو فرزند و تروخشک کردنشان. فاطمه علیها السلام مادری بود که مادری می‌کرد.

متأسفانه برای خیلی از زنان و مردان، دیگر مادر بودن «ارزش» به حساب نمی‌آید. در واقع، ارزش‌های دیگری جایش را گرفته‌اند و برای زنان و مردان، مهم و حتی مهم‌تر از آوردن و پروردن فرزند شده‌اند. فهرست این نوازش‌ها بلند است: درس خواندن، مدارک عالی گرفتن، مهارت‌آموختن، کارکردن، گذراندن کارگاه‌های گوناگون، تناسب اندام، زیبایی‌چهره، صفحه‌داشتن در فجازی (فضای مجازی)، ساختن شبکهٔ ارتباطی، ورزش، سفر، رفاقت‌گردی، پرسه‌زنی در مراکز خرید، تفریح و... ما نیازمند بازتعریف نقش مادری در خانواده‌ایم. راهکار رسیدن به این دستاورد، آری، ارزش‌بخشی به پدیدهٔ مادرشدن و مفهوم مادری کردن است که در دو بُعد معنوی و مادی تعریف می‌پذیرد.

در نگاه دینی و ملی ما، مادر نه‌تنها یگانه مَجْرای فرزندآوری است، بلکه اصلی‌ترین مُجْری تربیت فرزند هم هست. نگاه این است که «مادر کارگزار خداست و انسان‌سازی می‌کند» و آن وقت نتایج فرعی این نقش اوست که به درد همهٔ جامعه می‌خورد، چه از نظر کمی در ازدیاد جمعیت کشور و چه از نگاه کیفی در آرامش و پویایی جامعه. این دو بُعد را می‌توان در این کلام رهبر معظم انقلاب سراغ گرفت:

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و

وظایف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است. اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده. در اختیار بانوان قرار داده: صبرش را به آن‌ها داده، عاطفه‌اش را به آن‌ها داده، احساساتش را به آن‌ها داده، اندام‌های جسمانی‌اش را به آن‌ها داده. در واقع این هنر زن‌هاست. اگر چنانچه ما این‌ها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.^۱

کلید ماجرا اینجاست که نقش زادوولد را برای زنان جدی کنیم که مادر بشوند. موهبت تربیت را نیز برایشان پُررنگ کنیم که مادری کنند. هیچ ترغیب مصنوعی و تشویق پوشالی در کار نیست. تلاش کرده‌ایم سخنان دین را دربارهٔ این دو نقش شاهکار بازنشر دهیم؛ مستقیم قرآن و روایت بخوانیم تا ببینیم که دین خدا چه اعتباری به پای این دو نقش ریخته است. همچنین از قول بزرگانمان جمله و خاطره بگوییم تا ببینیم آنان که زندگی اصیل و کامیابی داشته‌اند، چه کرده‌اند با هدیهٔ الهی فرزند و با وظیفهٔ تاریخی تربیت. فراموش نکنیم که روی سخن فقط با زنان جامعه نیست. مخاطب حرف‌های این مجالس بیش از آن‌که زنان باشند، مردهایند. بله، بسیاری از نگاه‌های غلطی که دربارهٔ نقش زن و مادر در خانه و خانواده و جامعه وجود دارد نتیجهٔ رفتارهای غلطی است که مردان انجام می‌دهند؛ نتیجهٔ تفکرات جاهلی مردانی است که زنان و مادران را کارگزار خودشان می‌دانند. این نگاه و آن رفتارهای غلط، جایگاه زن و مادر را نزد دختران و زنانمان کم‌ارزش کرده است.

مجموعهٔ حاضر با عنوان «**فاطمه‌ای دیگر؛ بازتعریف نقش مادری در خانواده**» سعی دارد با الگوبرداری از زندگی فاطمهٔ زهرا علیها السلام

۱. بیانات در دیدار با مداحان، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲.

و بررسی ویژگی «مادری» آن حضرت، ارزش این مفهوم عمیق و عزیز یعنی «مادری» را توصیف کند. به این امید که با «بازتعریف نقش مادری در خانواده» بتوانیم تکرار فاطمه زهرا علیها السلام را در خانواده‌های خود ببینیم و از آن بهره‌ها بگیریم. آری، با این الگوگیری از فاطمه زهرا علیها السلام می‌توان کاری کرد که زنانمان «فاطمه‌ای دیگر» باشند و فرزندانی علوی بیاورند و سربازانی مهدوی تربیت کنند.

در این مجموعه، در پنج مجلس، درباره این موضوعات سخن خواهیم گفت:

مجلس اول: مادرانه‌های فاطمی

توصیف مفهوم مقدس مادری، تحلیل وقایع فاطمیه از زاویه مادری حضرت زهرا علیها السلام، بررسی فضیلت‌های فاطمه زهرا علیها السلام و ویژگی مادری آن حضرت، توصیف شفیع بودن فاطمه زهرا علیها السلام در قیامت، تبیین گستره نقش مادری در عالم.

مجلس دوم: مادری که مادری می‌کرد!

تبیین چیستی مادری، ویژگی‌های مادران فاطمی، مادرانی که لعنت خدا را خریدند، سبک تربیتی فاطمه زهرا علیها السلام، بررسی مهمترین ابزار مادران برای تربیت و رشد فرزندان.

مجلس سوم: رنج شیرین مادری

بیان سختی‌ها و شیرینی‌ها مادری. توصیف لذت‌ها و رنج‌هایی که در پس مادرشدن و مادرنشدن نهفته است. بررسی توأمان بودن رنج و شیرینی مادری حضرت زهرا علیها السلام.

مجلس چهارم: مانند فاطمه علیها السلام

تبیین نقش محوری مادر در خانواده. محور بودن حضرت زهرا علیها السلام به عنوان مادر خانواده. مدیریت حضرت زهرا علیها السلام برای رشد و تربیت جامعه اسلامی و الگو بودنش برای زنان تاریخ. تبیین موفقیت‌های مادرانی که با مدیریت خانواده توانستند جهانی را تحت تأثیر خود قرار دهند.

مجلس پنجم: عبادت‌های خانوادگی

توصیف اصلی‌ترین راه سیروسلوک فردی و اجتماعی که عبادت‌های خانوادگی است. تبیین روایاتی که به ثواب ایفای نقش مردان و زنان در خانه و خانواده می‌پردازد. بازتعریف معنویت و راه‌های رسیدن به آن و نقش خانواده در این سلوک معنوی و مادی.

مجموعه حاضر به سفارش اداره امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی و با مشورت و بهره‌مندی از نظرات استادان حوزه تبلیغ تألیف شده است. در اینجا از تمام پژوهشگران و بزرگوارانی که ما را در تولید این مجموعه گران‌سنگ یاری کردند، از جان سپاسگزاریم: حجج اسلام محمد جنتی، رضا زندوکیلی، موسی محمدآبادی، حسین جوادی صدر و حمید قاسمی، صدرا بهرامی و جناب آقای محمدمهدی باقری.

واحد راهبری محتوایی اداره کل

امور مبلغین سازمان تبلیغات



• مجلس اول •
مادرانه‌های
فاطمی



همه به مادرشان افتخار می‌کردند تمام عزت ایل و تبار زهرا علیها السلام بود

یکی از مفاهیمی که ما در زندگی خیلی با آن سروکار داریم، مفهومی است که مقدس‌ترین واژه را به خودش اختصاص داده است؛ مفهومی که همیشه برای ما پر بوده از عاطفه و احساس؛ مفهومی که مایه آرامش قلب ماست، حتی در سخت‌ترین و بدترین لحظات. این مفهوم همیشه عمیق‌ترین عواطف ما را به دنبال داشته و البته مثل خیلی از مفاهیم ارزشمند دیگر، ساده از کنارش عبور کرده‌ایم.

قرار است درباره مفهومی صحبت کنیم که نه تنها پیش ما انسان‌ها ارزشمند است و جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه خدای متعال هم منزلت و مقامی عظیم برایش در نظر گرفته است. بهشت و جهنم ما در گروی این مفهوم است و نوع نگاه و رفتار ما با این مفهوم است.^۱ عاقبت‌به‌خیرهای عالم، خودشان را مدیون این مفهوم می‌دانند و عاقبت‌به‌شهرهای عالم هم

۱. این جمله برداشتی است از روایتی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «الجنة تحت اقدام الامة». حسین‌بن‌محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

کسانی بودند و هستند که نسبت به این مفهوم بی‌اعتنا بوده‌اند و نسبت به آن ظلم کرده‌اند. این مفهوم مقدس، مفهوم مادر است.

مقدس‌ترین واژه

«مادر» همان مفهومی است که همه ما از کودکی با آن انس داشته‌ایم و با آن بزرگ شده‌ایم؛ واژه‌ای که کودکی‌های ما و ناب‌ترین لحظات ما را شکل داده است. بله، این مادر است که در سخت‌ترین و تلخ‌ترین لحظات امیدبخشی می‌کند و با محبت و عشقی که پای ما می‌ریزد آرامش را به ما هدیه می‌دهد. دست‌های بلندش به درگاه خدا همیشه سلامتی و عاقبت‌به‌خیری بچه‌ها را طلب می‌کند و خدا هم به احترام او بسیاری از درد و رنج‌ها را از ما دور می‌کند.

چقدر سخت است از این مفهوم حرف زدن؛ این سختی بیشتر هم می‌شود وقتی بخواهی از مادری بزرگ‌ترین مادر عالم هستی صحبت کنی! عشق و محبتی که در دل مادر هستی، یعنی فاطمه زهرا علیها السلام، نسبت به فرزندان‌ش هست را مگر می‌شود بیان کرد؟

شما کلمه‌ای آسمانی‌تر و لطیف‌تر از مادر پیدا نمی‌کنید. مادری خالص‌ترین و پاک‌ترین محبت‌هاست که ما در زندگی درک کرده‌ایم. به همین دلیل است که همه زن‌ها به‌صورت فطری دوست دارند این مقام را درک کنند و یکی از مهم‌ترین آرزوهایشان این است که به چنین جایگاهی برسند. «مادری» برای ما انسان‌ها، در طول تاریخ مفهومی مقدس بوده است و «مادر» مظهر محبت و فداکاری.

از نگاه فاطمه علیها السلام

فاطمیه هم همیشه برای ما بوی ناب مادری فاطمه زهرا علیها السلام را داشته است. وقتی در مجالس فاطمیه شرکت می‌کنیم احساس می‌کنیم مهمان حضرت زهرا علیها السلام و او ما را دعوت کرده است. پس شاید بهترین زمان برای این‌که کمی درباره این مفهوم عمیق و عزیز صحبت کنیم همین ایامی است که متعلق به فاطمه زهرا علیها السلام است. شاید در ماه

محرم زیاد نتوانیم دربارهٔ این واژه و درک عمیق مفهومی که در دل دارد صحبت کنیم؛ نهایتاً در یکی از شب‌ها مثلاً شبِ هفتم محرم، وقتی داریم درباره حضرت علی اصغر علیه السلام صحبت می‌کنیم، مقداری دربارهٔ مادر هم حرف بزنیم؛ اما فاطمیه به دلیل مادری حضرت زهرا علیها السلام بهترین زمانی است که می‌شود به این مفهوم پرداخت.

بیابیم یکبار اتفاقاتی را که در فاطمیه رخ داده است از نگاه یک مادر ببینیم. سختی‌ها و رنج‌هایی که در مدینه پیش آمد اگر برای یک پدر بود این قدر دردناک و جگرسوز نبود. این همه آتشی که از فاطمیه به دل‌های ماست دلیلش این است که مصیبت برای یک مادر بود؛ مادری که هم برای خانوادهٔ خودش و هم برای خانوادهٔ اسلام مادری می‌کرد.

فاطمه‌ای دیگر

می‌خواهیم کمی فاطمیه را از بُعد مادری‌اش بررسی کنیم تا بلکه بتوانیم مادری حضرت زهرا علیها السلام را درک کنیم و از داشتن چنین مادری به خود ببالیم. قرار است پای مکتب فاطمیه بنشینیم و ارزش این مفهوم عمیق و عزیز و لطیف یعنی «مادری» را در زندگی حضرت زهرا علیها السلام پیدا کنیم. به این امید که با «بازتعریف نقش مادری در خانواده» بتوانیم امتداد فاطمهٔ زهرا علیها السلام باشیم. زنانمان «فاطمه‌ای دیگر» باشند و فرزندان‌های علوی بیاورند و سربازانی مهدوی تربیت کنند. بله، مادرهایی که در خانه‌هایمان هستند همانی‌اند که فاطمه علیها السلام بود؛ یعنی مادر! مادرهایی دیگر که ادامه‌دهندهٔ راه زهرا علیها السلام هستند. بله، اگر فاطمه علیها السلام را درست بشناسیم و با مقام مادری‌اش آشنا شویم، می‌بینیم که هر مادری می‌تواند «فاطمه‌ای دیگر» باشد! پس باید اول ببینیم فاطمه علیها السلام که بود؟

فاطمه علیها السلام که بود؟

فاطمهٔ زهرا علیها السلام را باید شناخت. آن همه فضیلت و مقامی را که مخصوص اوست باید درک کرد. از فضیلت‌های عرشی‌اش که بگذریم و با همین چشم مادی ظاهرین هم که نگاه کنیم دهان حیرت ذهن‌ها بازمی‌ماند.

فاطمه که بود؟ شبیه‌ترین فرد به پیامبر خدا ﷺ^۱ و وقتی که فاطمه عَلَيْهَا بر پیامبر ﷺ وارد می‌شد، آن حضرت برمی‌خاست و مشتاقانه به سمتش می‌رفت. این معنای تعبیر «قام الیها»^۲ است. شیوه برخورد پیامبر ﷺ با فاطمه را ببینید. هروقت از غزوات که برمی‌گشتند «قَبِلَ فَاطِمَةَ»^۳ فاطمه عَلَيْهَا را می‌بوسیدند. این‌ها عظمت فاطمه زهراست.

شنیده‌اید که پیامبر ﷺ هروقت قصد سفر می‌رفت، بعد از خداحافظی با خانواده‌اش، به خانه فاطمه عَلَيْهَا می‌رفت و با او وداع می‌کرد؛ همان‌طور که وقتی از سفر برمی‌گشت اول به خانه دخترش می‌رفت و او را می‌دید.^۴ فاطمه عَلَيْهَا اهل بهشت بود و پیامبر ﷺ درباره‌اش می‌فرمود: «فَاطِمَةُ حُورَاءٌ اِنْسِيَّةٌ» (فاطمه عَلَيْهَا حوریه‌ای بشرگونه است)، من از فاطمه عَلَيْهَا بوی بهشت را استشمام می‌کنم.^۵ زیاد است روایاتی که خشم و رضایت خدا را به خشنودی و ناراحتی فاطمه گره زده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»^۶ (خداوند به غضب فاطمه عَلَيْهَا، غضب می‌کند و به خشنودی او خشنود می‌شود). بله، عظمت فاطمه زهرا عَلَيْهَا وصف‌نشدنی است. این‌هایی که گفتیم همه فاطمه بود؛ اما فاطمه همه این نیست. فاطمه عَلَيْهَا یک امتیاز دیگر هم دارد. ویژگی برتری که در تاریخ ادامه‌دار شده است و همه ما او را به آن صفت می‌شناسیم. فاطمه عَلَيْهَا، به آن صفت فاطمه عَلَيْهَا است و آن «مادری» فاطمه زهراست. فاطمه، اول و آخر، مادر است.

۱. این حدیث معروف از عایشه است که گفت: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ سَمْتًا وَ هَدْيًا وَ دَلًّا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي قِيَامِهَا وَ قُعُودِهَا مِنْ فَاطِمَةَ؛ هَيْجَ كَسٍ رَا مِنْ لِحَاطِ هَيَاتِ، چهره، سیما، درخشندگی و حرکات و رفتار، شبیه‌تر از فاطمه به پیغمبر اکرم ندیدم.» (جمعی از نویسندگان، السنن الکبری، ج ۵، ص ۹۶).
۲. عماد الدین طبری آملی، بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى، ص ۲۵۳.
۳. «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ قَدِمَ مِنْ مَغَازِيهِ قَبِلَ فَاطِمَةَ» (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب عَلَيْهِمُ، ج ۳، ص ۳۳۳).
۴. «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا كَانَ أَحْزَرَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ وَ إِذَا قَدِمَ كَانَ أَوْلَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۰).
۵. «فَاطِمَةُ حُورَاءٌ اِنْسِيَّةٌ فَكُلَّمَا اشْتَفَتْ إِلَى زَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمَتْ زَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ» (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۶۱).
۶. محمدبن محمدبن نعمان (مفید)، الأمالی، ص ۹۵.

مادری که مادری می‌کرد!

این فاطمه علیها السلام بود که با مادری‌اش به نقش «مادری» عمق بخشید. بله، فاطمه علیها السلام مادری‌اش محدود نبود به خانه کوچکی که در آن زندگی می‌کرد. فاطمه نگاهی عمیق‌تر داشت. فاطمه اثبات کرد که «مادری» مفهومی است که محدود نمی‌شود به نگهداری یکی‌دو فرزند و تروخشک کردنشان. فاطمه علیها السلام مادری بود که مادری می‌کرد. راستش وقتی آدم زندگی حضرت زهرا علیها السلام را که می‌بیند، تازه متوجه می‌شود که اگر مادری آن است که فاطمه علیها السلام انجام می‌داد، پس زیادند مادرانی که فقط مادرند و مادری نمی‌کنند.

مگر مادر شدن با مادری فرق می‌کند؟ بله، صدالبته که مادر شدن یک چیز است و مادری کردن چیزی دیگر. ما قرار است در این چند مجلس کمی در این باره صحبت کنیم. درباره این که «مادری» فاطمه زهرا علیها السلام چه بود؟

چرا «مادری»؟

این موضوع چه اهمیتی دارد؟ این همه مسئله‌های مهم‌تر وجود دارد که می‌تواند موضوع بحث باشد! چرا «مادری»؟ واقعاً موضوعی مهم‌تر پیدا نمی‌شود؟ بله، حق با شماست! شاید آن چیزی که ابتدا از این موضوع به ذهن می‌رسد این باشد که این موضوع آن قدرها هم موضوع مهمی نیست. در حالی که خواهید دید واقعیت چیز دیگری است. «مادری» چه در بُعد فردی و چه در بُعد خانوادگی و چه در بُعد ملی و تمدنی مهم‌ترین نقش را دارد. اگر «مادرها» با الگوگیری از فاطمه زهرا علیها السلام نقش خودشان را درست تشخیص بدهند و «مردها» هم این نقش و مقامش را درست بشناسند و بر اساس این شناخت رفتار کنند، بسیاری از مشکلات فردی و خانوادگی و ملی حل می‌شود.

حتماً ذهن خیلی از شما درگیر مسائل اقتصادی است و مشکلات اقتصادی را درک می‌کنید. اما همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: فرهنگ و مسائل فرهنگی خیلی مهم‌تر از بقیه مسائل است. فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید،

چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد... فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمیت دارد. تشکیل خانواده و ازدواج یک فرهنگ است؛ تعداد فرزندان یک فرهنگ است؛ اگر در این چیزها بینش مردم و جهت‌گیری مردم جهت‌گیری درستی باشد، زندگی در جامعه جوری [دیگر] خواهد شد.^۱

در این میان مهم‌ترین نقش را زنان و مادرانی دارند که «مادری» می‌کنند. بله، فرهنگ از خانه و خانواده شروع می‌شود و در جامعه جاری می‌شود و کیست که نداند «مادر، بزرگ خانه است»^۲ و مهم‌ترین نقش بر عهدهٔ اوست. مادر است که «فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند».^۳ این جملهٔ رهبر معظم انقلاب را ببینید: مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی... می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند... بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بی‌قراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم».^۴

۱. نک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱ فروردین ۱۳۹۳.

۲. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ سَيِّدٌ فَالزُّجْلُ سَيِّدُ أَهْلِيهِ، وَ الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا؛ هر یک از فرزندان آدم فرمانروایست مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است» (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۶۱۴).

۳. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۴. بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳ تیر ۱۳۸۶.

متأسفانه این نقش مهم در خانه و خانواده و جامعه نادیده گرفته شده است. می‌خواهیم با بررسی زندگی حضرت زهرا علیها السلام نقش «مادری» را مشخص کنیم. البته این را هم بگوییم که مخاطب حرف‌های این مجالس هم بیش از اینکه زنان باشند مردهایند. بله، بسیاری از نگاه‌های غلطی که درباره نقش زن و مادر در خانه و خانواده و جامعه وجود دارد نتیجه رفتارهای غلطی است که مردها انجام می‌دهند؛ نتیجه تفکرات جاهلی مردهایی است که زنان و مادران را کارگزار خودشان می‌دانند. این نوع نگاه و آن رفتارهای غلط، ارزش زنان و مادرانی که مادری می‌کنند را از چشم زن‌ها انداخته است. به خدا قسم که ما مردها مقصریم در این اتفاق شوم! گناه بزرگ تمدن مادی که دامن‌گیر خیلی از ما هم شده است، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش مادری است.^۱ در مسیر سخت و شیرین زندگی و در کارهای خانه و خانواده، مردها همراه و همکار و همدل زنانند و باید هم باشند.

زنان و مادران هم باید بدانند که نقش اصلی آن‌ها چیست. کسی مخالف این نیست که زن می‌تواند کار بکند؛ اسلام هم این را نمی‌گوید. اما آن چیزی که برای زن اصل است و مهم‌ترین نقش او در عالم است چیست؟ حضرت زهرا علیها السلام در دعایی می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ»^۲ (خدایا به من فرصت بده تا به آنچه تو من را به‌خاطر آن خلق کردی بپردازم). معلوم می‌شود هرکسی در این دنیا یک نقشی دارد و تفسیر نقش «مادری» را حضرت زهرا علیها السلام انجام داده است. نقشی که خود، مهم‌ترین وظیفه و مقام و پست اجتماعی است و باید در درجه اولِ وظایف و مقامات اجتماعی زن قرار بگیرد.^۳

«مادری» یعنی...

مادری کردن یعنی دل‌سوز خانواده‌ات باشی. بخواهی با چنگ و دندان این خانواده را از سر هر آسیب و گزند حفظ کنی و فاطمه علیها السلام یک

۱. نک: بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۲. ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۴۱.

۳. نک: یادداشت‌های استاد مرتضی مطهری، ج ۷، ص ۲۹.

مادر بود. خود را به آب و آتش زد که خانواده‌ای که پدرش علی (علیه السلام) بود و پدر بزرگش پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، از هم نباشد.

فاطمه (علیها السلام) یک مادر بود که چادر به سر می‌کرد و هر شب در خانه مسلمانانی می‌رفت که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را دیده بودند و احترامش به فاطمه (علیها السلام) را لمس کرده بودند. می‌رفت و از جان مایه می‌گذاشت تا فرزندان، یعنی مسلمانانی که با روشنگری پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک خانواده شده بودند از هم نباشد. خانواده‌ای که به پدرش، یعنی علی (علیه السلام) پشت کرده بود و با این کار، خاری و خفت را انتظار می‌کشید.

خطبه‌های حضرت زهرا (علیها السلام) را با این دید بخوانید. صدای فاطمه (علیها السلام) صدایی مادرانه است. مادری که می‌سوزد تا به فرزندان بگوید به خدا این راه که می‌روید اشتباه است. به پدران بد نکنید! بدی به پدر، خودتان را بدبخت می‌کند. این شد که به زن‌های مدینه فرمود: «وَيُخْهُمُ أُنَى زَعْرُوهَا عَنْ رِوَابِی الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدَّلَالَةِ وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الْمُطَّلَعِينَ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ (أَلَا ذَلِكُ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ)»^۱ (وای بر مردان شما چگونه کنار زدند خلافت را از کوه‌های محکم رسالت و شالوده‌های متین نبوت و رهبری و جایگاه نزول وحی و جبرئیل امین و آگاهان در امر دنیا و دین؟ آگاه باشید زیان آشکار همین است!)

دفاع از پدر

فاطمه (علیها السلام) از علی (علیه السلام) دفاع می‌کرد؛ از پدری که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را پدر امت معرفی کرده بود.^۲ دیده‌اید بعضی مادرها چطور رفتار می‌کنند؟! وقتی بچه به پدرش بی‌احترامی می‌کند! نهیب می‌زنند که چه می‌کنی؟ آدم با پدرش این‌طور حرف نمی‌زند! حضرت زهرا (علیها السلام) هم مقام این پدر را فریاد می‌زد؛ اما گوش کسی بدهکار نبود!

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (حسن بن علی (علیه السلام)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (علیه السلام)، ص ۳۳۰)؛ «الإمام الأئیسس الرِّفِیقُ وَ الوالدُ الشَّفِیقُ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰).

چرا حضرت زهرا علیها السلام چهل شب رفت در خانه مهاجر و انصار؟ چون این امت اسلام، این خانواده اسلام، داشتند پدرشان را کنار می‌گذاشتند. داشتند به پدرشان بی‌اعتنایی و بی‌احترامی و ظلم می‌کردند.

در دوران قبل از شهادت ایشان، هنگامی که ایشان در بستر بودند برخی افراد می‌خواستند به عیادت حضرت بیایند. آمدند و از امیرالمؤمنین علیه السلام اجازه گرفتند. علی علیه السلام هم آمد کنار بستر حضرت زهرا علیها السلام و جایی که بچه‌ها هم حضور داشتند. گفتند فاطمه جان فلانی و فلانی آمده‌اند؛ اجازه می‌دهی بیایند داخل یا نه؟ فاطمه علیها السلام در حضور بچه‌هایش به او فرمود: «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحُرَّةُ رَوْحُكَ أَفْعَلْ مَا تَشَاءُ»^۲ (خانه، خانه توست. تصمیم‌گیرنده و آقای این خانه تو هستی. هرچه که نظر تو باشد من هم راضی هستم).

خانه‌ای به وسعت بهشت

دیوارهای خانه فاطمه علیها السلام انتها نداشت. این طور نبود که همه چیز را برای چهاردیواری خودش بخاهد. نه. فاطمه علیها السلام وسیع می‌دید و همه را در خانه‌اش جایی بود. فاطمه علیها السلام در دوران زندگی‌اش خانه‌ای داشت به وسعت همه مردم مدینه؛ بلکه بزرگ‌تر. همه از «مادری» فاطمه علیها السلام سهم داشتند. از آن فقیر و یتیم و اسیر گرفته تا فضا و سلمان و ابوذر. همسایه‌های دیروزش چه خوش‌بخت بودند که دعای فاطمه علیها السلام نصیبشان می‌شد.^۳ اما حیف که قدرش را ندانستند.

۱. «حَمَلَهَا عَلِيٌّ عَلَيَّ عَلَى أَنِّي عَلَيْهِ كِسَاءٌ لَهُ خَمَلٌ فَذَازَ بِهَا أُرْبَعِينَ صَبَاحاً فِي بُيُوتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام مَعَهَا.» (مفید، الإختصاص، ص ۱۸۴).

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷.

۳. «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ علیها السلام مِخْرَابَهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْتَضَحَ غَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تُكَبِّرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ فَقَالَتْ يَا بِنْتِي الْجَارُ ثُمَّ الذَّارُ؛ امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: شب جمع‌های بود که دیدم مادرم فاطمه علیها السلام در محراب عبادت ایستاده و پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا سفیدی صبح. دعای مادرم در طول این مدت فقط برای دیگر مؤمنین بود. نشنیدم برای خود دعایی کند. از مادرم پرسیدم: مادر جان! برای دیگران دعا کردی اما نشنیدم برای

همسایه‌های امروز فاطمه عَلَيْهَا هم خوش‌بختند که دعای فاطمه عَلَيْهَا نصیبشان است. ما همسایه‌های امروز فاطمه‌ایم. بله، دعای فاطمه عَلَيْهَا بوده که ما شیعه‌ایم و دوست‌دار امیرالمؤمنین عَلَيْهِ.

سلمان شدن نتیجه همسایگی اوست زهرا برای سیر کمال ولای ماست تنها وسیله‌ای که نخش هم‌شفاعت است چادر نماز مادر ارباب‌های ماست اسماء نقل می‌کند که در لحظه‌های پایانی عمر حضرت زهرا عَلَيْهَا دیدم که از جا بلند شد. غسل کرد و لباس‌ها را عوض کرد و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد. جلو رفتم، دیدم که روبه‌قبله نشسته و دست‌ها را به سوی آسمان برآورده چنین دعا می‌کند: «إِلَهِي وَسَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اضْطَفَيْتَهُمْ وَبِنِكَاءِ وَوَلَدَيْ فِي مُفَارِقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعِصَاةِ شِيعَتِي وَ شِيعَةِ ذُرِّيَّتِي»^۱ (پروردگارا! بزرگارا! به حق پیامبرانی که آن‌ها را برگزیدی و به گریه‌های فرزندانم در فراق من، از تو می‌خواهم، گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی)

بهترین شفیع

همین الآن هم حضرت زهرا عَلَيْهَا برای ما «مادری» می‌کند. اساساً نقش «مادری» ادامه‌دار است و محدود نیست. گستره این نقش چقدر است؟ تا قیامت! بله، خدا به مادران در قیامت حق شفاعتی داده است.

در دعای بیست و چهارم صحیفه سجاده‌ی امام سجاد عَلَيْهِ می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِي، وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ وَ الْمَنْ الْقَدِيمِ؛ وَ أَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۲ (خداوند! اگر پدر و مادرم را پیش از من آمرزیده‌ای پس ایشان را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنان مورد آموزش قرار داده‌ای پس مرا شفیع ایشان کن، تا در پرتو مهربانی‌ات در سرای کرامت و جایگاه مغفرت

خود دعاء کنی؟ مادرم فرمود: پسرما! «الْجَازُ ثُمَّ الدَّارُ» اول همسایه بعداً اهل

خانه» (محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۲).

۱. محمد دشتی، نهج الحیاة؛ فرهنگ سخنان فاطمه عَلَيْهَا، ص ۱۴۸.

۲. صحیفه سجاده‌ی، دعای ۲۴.

و رحمتت گرد آییم؛ زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت قدیمی و تو مهربان‌ترین مهربانانی.)

این که امام سجاد (علیه السلام) از خدا می‌خواهد مادرش را شفیع قرار دهد؛ یعنی رابطه مادر و فرزندی محدود به این دنیا نیست. از آن طرف هم روایت داریم که فرزندی که به‌طور طبیعی سقط می‌شود، نه به‌صورت عمدی، فردای قیامت شفیع مادرش می‌شود. در حدیث آمده است که این فرزند سقط شده دم در بهشت می‌ایستد و می‌گوید تا مادرم وارد بهشت نشود وارد نمی‌شوم.^۱ فرزند می‌تواند شفیع پدر و مادر باشد.^۲ این گستره «مادری» است.

یک وقت بچه خودش سقط می‌شود، که شافی مادر است. یک وقت

۱. قال رسول الله ﷺ: «أني أباهي بكم الأمم يوم القيامة حتى بالسقط يظل مخبئاً على باب الجنة فيقول الله عز وجل أدخل الجنة فيقول لا أدخل حتى يدخل أبواي قبلي فيقول الله تبارك وتعالى لملك من الملائكة اتيني بأبويهما فيأمر بهما إلى الجنة فيقول هذا قبلي رحمتي لك» (به راستی من در روز قیامت به کثرت جمعیت شما امت اسلام، بر سایر امت‌ها مباحث می‌کنم حتی به سقط‌شدگان از شما جنین سقط شده شما در روز قیامت، با حالت غضب و ناراحتی بر در بهشت درنگ می‌کند؛ پس خداوند عزت‌مند و صاحب جلال به او می‌فرماید: داخل بهشت شو. می‌گوید: نه؛ مگر این که قبل از من، پدر و مادرم داخل بهشت شوند. پس خداوند عزت‌مند و صاحب جلال به فرشته‌ای از فرشتگان می‌فرماید: پدر و مادرش را بیاور. سپس خداوند به آن دو امر می‌کند که به بهشت داخل شوید. و به آن طفل نیز می‌فرماید: این کار را به خاطر فروزی رحمتم نسبت به تو انجام دادم و آلا پدر و مادرت مستحق بهشت نبودند.) (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۵، ص ۳۳۴).

۲. قال رسول الله ﷺ: «تجيء يوم القيامة أطفال المؤمنين عند عرض الخلائق للحساب فيقول الله تعالى لجبرئيل: اذهب بهؤلاء إلى الجنة فيقفون على أبواب الجنة ويسألون عن آباءهم وأمهاتهم. فتقول لهم الخزنة أبأؤكم وأمهاتكم ليسوا كأمتائكم لهم ذنوب وسيئات يطالبون بها فيصيحون صيحة ناكين. فيقول الله تعالى: يا جبرئيل ما هذه الصيحة؟ فيقول: اللهم أنت أعلم هؤلاء أطفال المؤمنين يقولون لا ندخل الجنة حتى يدخل آباؤنا وأمهاتنا فيقول الله سبحانه وتعالى: يا جبرئيل تخلل الجمع وخذ بيد آباءهم وأمهاتهم فأدخلهم معهم الجنة برحمتي» (روز قیامت خداوند به جبرئیل دستور می‌دهد که بچه‌های مؤمنین را به بهشت وارد کند. [فرشته وحی آن‌ها را به سوی بهشت راهنمایی می‌کند؛ ولی آنان دم در بهشت می‌ایستند و داخل نمی‌شوند. سراغ پدران و مادران خود را می‌گیرند. فرشتگان پاسخ می‌دهند که آن‌ها مشغول حسابرسی اعمالشان هستند. آنگاه اطفال مؤمنان می‌گویند: فریاد می‌کشند و گریه می‌کنند. جبرئیل عرض می‌کند: خداوند این صدای بچه‌های مؤمنان است که بدون پدران و مادرانشان وارد بهشت نمی‌شوند؛ در نتیجه خداوند فرمان می‌دهد به جبرئیل که از میان مردم دست والدین آن‌ها را بگیرد و با آنها داخل بهشت کند.) (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۳).

مادران خودشان این فرزند در رحم را می‌کشند و نفرین خدا را برای خود می‌خرند. این‌ها همان زنانی‌اند که از «مادری» بهره‌ای نمی‌برند.

مادرانه‌های فاطمی

نقش مادری حضرت زهرا علیها السلام و محبت مادرانه‌اش در طول تاریخ جریان پیدا کرده است. شهدا در جبهه‌های حق علیه باطل در دفاع مقدس بارها این مادری را دیده‌اند. خدا رحمت کند شهید سلیمانی عزیز را؛ دیده‌اید چقدر زیبا از مادرانه‌های فاطمه علیها السلام در جبهه‌ها می‌گفت و اشک می‌ریخت؟ می‌گفت: هر وقت در سختی‌های جنگ فشارها بر ما حادث می‌شد، وقتی هیچ کاری از ما بر نمی‌آمد، پناهگاهی جز زهرا نداشتیم، پناهگاهی که در شب والفجر ۸ وقتی که چشممان به آب‌های خشمگین ا روند افتاد و لرزیدیم هیچ پناهگاهی و هیچ نامی آشناتر از زهرا علیها السلام نمی‌شناختیم... . ا روند را با یازهرا علیها السلام به کنترل در آوریم و عبور کردیم... . من قدرت و محبت مادری حضرت زهرا علیها السلام را بارها دیدم. فاطمه علیها السلام در هور، فاطمه علیها السلام در کربلای پنج، فاطمه علیها السلام در ا روند، فاطمه علیها السلام در کوه‌های سرد و سخت کردستان، مادری کرد. من قدرت و محبت مادری حضرت زهرا علیها السلام را در هور دیدم، در قلب کانال دیدم، در وسط میدان مین دیدم، وقتی شما مادرها نبودید و بچه‌هایتان در خون دست‌وپا می‌زدند، او را دیدم^۱.

شهید احمد کاظمی از شهدایی است که ارادت ویژه‌ای به حضرت زهرا علیها السلام داشت. یکی از هم‌زمان شهید نقل می‌کند:

شهید ارادت عجیب به حضرت زهرا علیها السلام داشت، در هر پست و مقامی بود، مجلس عزای فاطمیه را برپا می‌کرد و خودش هم مانند خادمان، در کنار در می‌ایستاد... فرمانده

۱. بیانات شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، دسترسی در: <https://www.namavid.com/video/129893>

تیپ نجف بود. نیروها خیلی به او علاقه داشتند. در حین عملیات به سختی مجروح شد، ترکش به سرش خورده بود. با اصرار او را به بیمارستان صحرایی بردیم. شهید کاظمی می‌گفت: «کسی نفهمد من زخمی شدم. همین جا مداوایم کنید. می‌خواست روحیهٔ نیروها خراب نشود.» دکتر گفت: «این زخم عمیق است، باید کاملاً مداوا و بعد بخیه شود.» به‌همین دلیل بستری شد. خونریزی او به‌قدری زیاد بود که بی‌هوش شد. مدتی گذشت، یک دفعه از جا پرید! گفت «بلندشو، باید برویم خط.» هر چه اصرار کردیم بی‌فایده بود. بالاخره همراه ایشان راهی مقر نیروها شدیم. در راه از ایشان پرسیدم: شما بی‌هوش بودی، چه شد که یک دفعه از جا بلند شدی؟ هر چه می‌پرسیدم جواب نمی‌داد. قسمش دادم که به من بگویند که چه شد. نگاهی به چهرهٔ من انداخت و گفت «می‌گویم، به شرطی که تا وقتی زنده‌ام به کسی حرفی نزنم.» بعد خیلی آرام ادامه داد «وقتی در اتاق خوابیده بودم، دیدم خانم فاطمه زهرا علیها السلام آمدند داخل اتاق، به من فرمودند: «چرا خوابیدی؟» گفتم: «سرم مجروح شده، نمی‌توانم ادامه دهم.» حضرت زهرا علیها السلام دستی به سرم کشیدند و فرمودند: «بلند شو، بلند شو، چیزی نیست، برو به کارهایت برس.» وقتی حاج احمد به منطقه برگشت در جمع نیروها گفت «من تا حالا شکی نداشتم که در این جنگ ما برحق هستیم؛ اما امروز روی تخت بیمارستان این موضوع را با تمام وجود درک کردم.»

مادری در قیامت

محبت مادرانهٔ فاطمه علیها السلام هم محدود به این دنیا نیست. لطف مادرانه‌اش در قیامت هم شامل حال محبینش می‌شود. یعنی حضرت زهرا علیها السلام مادری‌اش را تا قیامت هم ادامه می‌دهد. حضرت زهرا علیها السلام در صحرای

قیامت محبینش را از بین اهل محشر جمع می‌کند و به بهشت می‌برد.
 چشمهٔ رحمت روان از چشم‌سار فاطمه است
 گردش گردون مسلم در مدار فاطمه است
 از حجاب و عصمت زهرا چه گویم عاجزم
 شه پر جبریل چتر استتار فاطمه است
 گر ز من پرسى مزارش با صراحت گویمت
 در شکاف قلب هر شیعه مزار فاطمه است
 اگر دلت برای امام رضا علیه السلام تنگ بشود می‌روی مشهد. اگر دلت برای
 امیرالمؤمنین تنگ شود می‌روی به نجف. کربلا هم همین‌طور؛ اما اگر کسی
 بخواید به فاطمه علیها السلام سلام بدهد باید به کدام سمت بایستد و سلام بدهد؟!
 گر ز من پرسى مزارش با صراحت گویمت
 در شکاف قلب هر شیعه مزار فاطمه است
 گرچه در محشر گریزی نیست، شیعه! غم مخور!
 حکم آزادی یقین در اختیار فاطمه است

این حرف ما نیست! پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَإِذَا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ بَقِيَ مَرْطُهَا
 مَمْدُوداً عَلَى الصَّرَاطِ طَرْفَ مِنْهُ بِيَدِهَا وَ هِيَ فِي الْجَنَّةِ وَ طَرْفٌ فِي عَرَصَاتِ
 الْقِيَامَةِ» روز قیامت وقتی که فاطمه علیها السلام وارد بهشت می‌شود، چادرش بر
 روی صراط کشیده شده، باقی می‌ماند؛ یک طرف آن در حالی که او در بهشت
 است، به دست اوست و طرف دیگر آن در صحرای محشر است. «فَيُنَادِي
 مُنَادِي رَبَّنَا» پس منادی پروردگاران ندا می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الْمُحِبُّونَ لِفَاطِمَةَ
 تَعَلَّقُوا بِأَهْدَابِ مَرْطِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» ای محبان فاطمه علیها السلام به
 ریشه‌های چادر فاطمه سرور زنان جهان چنگ بزنید. «فَلَا يَبْقَى مُحِبٌّ
 لِفَاطِمَةَ إِلَّا تَعَلَّقَ بِهَذَبَةِ مَنْ أَهْدَابِ مَرْطِهَا حَتَّى يَتَعَلَّقَ بِهَا أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ
 فِئَامٍ وَ أَلْفِ فِئَامٍ» هیچ محب فاطمه نمی‌ماند، مگر این‌که به آن چنگ
 می‌زند؛ تا جایی که بیشتر از هزارهزار فئام از آتش جهنم نجات می‌یابند.
 «قَالُوا وَ كَمْ فِئَامٍ وَاحِدٌ» پرسیدند: هر فئام چند نفر است؟ «قَالَ أَلْفُ أَلْفِ
 يُجْزُونَ بِهَا مِنَ النَّارِ» حضرت فرمودند: یک میلیون نفر!

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۶۸.



**• مجلس دوم •
مادری که
مادری می‌کرد!**

ما از تو ممنونیم ذره‌پروری کردی قابل نبودیم و تو بر ما مادری کردی

فاطمیه برای ما شیعیان همیشه پر بوده است از احساس و عاطفهٔ مادرانه. دوست داریم خودمان را در مجالس فاطمی به دست حضرت بسپاریم و از او بخواهیم که برایمان مادری کند. فاطمه علیها السلام، مادر است و در جایگاه مادری، همین بس که فاطمه علیها السلام یک مادر بود. فاطمه علیها السلام مادر است و برای شیعیان مادری می‌کند. فاطمه علیها السلام مادر است و تربیت فرزندان علی را خودش دست گرفته است.

ما فکر می‌کنیم فقط ما به حضرت زهرا علیها السلام محبت داریم؛ اما واقعیت این است که مادر بیشتر فرزندش را دوست دارد. فاطمه علیها السلام مادر است و دلش برای فرزندانش، یعنی من و شما، می‌تپد. محبت ما به فاطمه علیها السلام در برابر محبت او به ما خیلی ناچیز است. اگر همین یک مطلب را درک کنیم، برای تمام عمرمان بس است.

مادری به نام زهرا علیها السلام

مادری حضرت فاطمه علیها السلام حقیقی‌ترین رابطه عالم است. کاری که فاطمه علیها السلام می‌کرد مادری بود. اگر خودش را به آب و آتش زد، برای این بود که فرزندان، یعنی مسلمانان و شیعیان، عاقبت به خیر شوند. اگر فریادش در خطبه فدکیه بر سر مردم بلند بود دلیلش این بود که فرزندان اسلام، پدری علی علیه السلام را کنار زده بودند و راهی را پیش گرفته بودند که به ترکستان می‌رسید. به همین دلیل به زنان مدینه فرمود: «وَيُحِبُّهُمْ أَنِّي زَعَرُوهَا عَنْ زَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ التَّبَوُّةِ وَ الدَّلَالَةِ، وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الْمُطَّلَعِينَ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ إِلَّا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ!»؛ (وای بر آن‌ها! چگونه خلافت را از کوه‌های محکم رسالت و شالوده‌های متین نبوت و رهبری و جایگاه نزول وحی و جبرئیل امین و آگاهان در امر دنیا و دین، کنار زدند؟ آگاه باشید زبان آشکار همین است.) فاطمه زهرا علیها السلام با مادری‌هایش به مقام زن و مادر نیز معنا بخشید؛ به نقش مادری عمق بخشید و سطح بالاتری از آن را به نمایش گذاشت.

مادری چیست؟

زیاد شنیده‌اید آیات و روایاتی که مقام مادر را توصیف کرده است. مثلاً این که فرموده‌اند مادر به واسطه درد زایمانی که می‌کشد «خدای متعال (هرروز) برای او هزار حسنه می‌نویسد و هزار گناه او را محو می‌کند؛ و آنگاه که درد زایمان می‌گیرد، خدای متعال، ثواب مجاهدین و شهدا و صالحین را در نامه عمل او می‌نویسد»^۱ و به این واسطه بهشت را برای خودشان می‌خرند. اما هستند مادرانی که مادری‌شان در حد همین درد و رنج بارداری و زایمان است. عده‌ای هم مادری‌شان در حد رنج شیردهی

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. «إذا حملت المرأة تستغفر لها الملائكة في السماء والحياتان في البحر، و كتب الله لها في كل يوم ألف حسنة، و محا عنها ألف سيئة. فإذا أخذها الطلق كتب الله لها ثواب المجاهدين و ثواب الشهداء و الصالحين» (عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال) (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد، ج ۱۱، ص ۵۲۴).

و بزرگ کردن بچه‌هاست. از مادری فقط همین را فهمیده‌اند که بچه بیاورند و سختی بکشند. بچه بیاورند و برایش غذا بپزند و لباس بدوزند و بشورند و بسابند و آخرش هم خودشان را لعنت کنند.

درست است که همه این‌ها اجر دارد؛ اما حواسمان باشد که مادری کردن غیر از مادرشدن است. حتماً دیده‌اید روایاتی را که درباره عده‌ای از روزه‌داران می‌گوید: «روزه‌دارانی هستند که بهره‌شان از روزه تشنگی و گرسنگی است»^۱. مگر برای روزه این همه ثواب نگفته‌اند؛ مگر برای تشنگی و گرسنگی روزه‌دار این همه ثواب بیان نکرده‌اند؟! راستش روزه هم چیزی بیشتر از تحمل تشنگی و گرسنگی است، همان طور که مادری هم چیزی بیشتر از درد زایمان و شیردادن به بچه‌هاست. تربیت این نیست که صرفاً نیازهای جسمی بچه‌ها را تامین کنیم. والدین باید برای زندگی برنامه داشته باشند. هم برای رشد خودشان و هم برای رشد تربیتی بچه‌هایشان. یادمان باشد که همان طور که دغدغه داریم جیبمان خالی نشود، زن و بچه‌هایمان بی آب و نان نمانند باید برای تربیت آن‌ها هم دغدغه داشته باشیم. شهید دکتر محمد علی رهنمون یک ایده جالب تربیتی پیدا کرده بود و اجرا می‌کرد. همسر این شهید بزرگوار نقل می‌کند:

محمدعلی صبح‌ها بعد از نماز قرآن می‌خواند. اگر دخترمان بیدار بود، می‌گرفتش توی بغل؛ اگر هم خواب بود، کنار رختخوابش می‌نشست و می‌گفت: اینجا قرآن می‌خوانم، می‌خواهم چشم و گوش بچه‌ام از الان به این چیزها عادت کند.^۲

یک اصل مهم تربیتی و بی‌هزینه این است: «تشکر کردن از یکدیگر و قدردانی» در مقابل بچه‌ها. رعایت این اصل موجب می‌شود روحیه قدردانی در فرزندان بالا برود. روانشناسان معتقدند که کودکان قدردانان؛ در آینده افرادی مسئولیت‌پذیر، صبور، با روابط اجتماعی بهتر، اعتماد به نفس بالا و با قدرت درک بالاتری خواهند بود؛ حتی وقتی در جایگاه پدر و مادری قرار می‌گیرند، حقوق خانواده و فرزندشان را نیز بهتر رعایت می‌کنند.

۱. قال رسول الله: «رَبِّ صَائِمٍ حَظٌّ مِنَ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۷)

۲. محمد رضایور، یادگاران ۱۶، «کتاب رهنمون»، ص ۹۰.

مادری برای پدر

ببایید در این فضیلتی که برای حضرت زهرا علیها السلام گفته‌اند و ما هم هر بار با افتخار تکرارش می‌کنیم کمی تأمل کنیم: «أَنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام كَانَتْ تُكْنَى أُمَّ أَبِيهَا»^۱. فاطمه علیها السلام مادر بود حتی برای پدرش. این فضیلت حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد که مادری تنها به این نیست که بچه‌ای بیاوری و درد و رنجش را تحمل کنی؛ مادری مفهومی است عمیق‌تر و دقیق‌تر. مادری فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام چگونه بود؟ چگونه مادری بود فاطمه علیها السلام که کنیه «ام‌ابیها» را از آن خود کرده بود؟ مگر غیر از این بود که در سختی‌ها و رنج‌ها مثل مادری دلسوز در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود؟ بله، این فاطمه علیها السلام بود که در شعب ابی‌طالب علیه السلام یار و غم‌گسار پدر بود؛ مثل یک فرشته نجات برای پیغمبر صلی الله علیه و آله؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غم‌گسار پیغمبر صلی الله علیه و آله شد. او دختر کارگشای پیغمبر صلی الله علیه و آله است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به‌پیش می‌برد؛ فرزندان تربیت می‌کند مثل حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و زینب علیها السلام؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی علیه السلام و رضایت‌پدري را جلب می‌کند مثل پیغمبر صلی الله علیه و آله!^۲

شمع جمع خانواده

رهبر معظم انقلاب درباره نقش مادری می‌فرماید:

زن، شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده، که حوضچه آرامش زندگی پُرچالش و پُر تلاش هر انسانی است، به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند. آن وقت نقش او به‌عنوان همسر، به‌عنوان مادر، به‌عنوان دختر خانواده، هر کدام یک‌فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازویسی و بازگویی و بازبینی کرد.^۳

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

۲. نک: بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۲۵ آذر ۱۳۷۱.

۳. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

وقتی در خانواده‌ای، جوان یا یک عضو خانواده، به خاطر اینکه والدین نقش پدری و مادری خود را ایفا نکرده و به او عشق و محبتی نمی‌کنند، خدای نکرده نقطه‌ضعفی پیدا کرد؛ مثل لکه سیاهی شد روی دندان و مینای دندان در این نقطه خراب شد، به تدریج روی ذهن مخاطب‌های خودش و پدر و مادرش اثر می‌گذارد و همین‌طور اثرهای متقابل تشدیدکننده دارد؛ در نتیجه آن حقیقت و معنویت را از دست می‌دهد.^۱ والدین باید بدانند که بچه‌ها زمانی به آن‌ها احترام می‌گذارد که جایگاه پدر و مادر در ذهنشان مقدس باقی بماند.

متأسفانه گاهی اختلاف شیوه‌های تربیتی مرد و زن کار دست خانواده‌ها می‌دهد. فرض کنید که بچه‌ای از قانون خانه سرپیچی کرد، مادر او را از رفتن به مهمانی منع کند و پدر به یک تذکر دادن اکتفا نماید. اینجا چون قانون پدر راحت‌تر و تنبیه مادر سخت‌تر است، به مرور بچه فکر می‌کند مادرش سنگدل است و پدرش مهربان. نتیجه هم این می‌شود که بچه‌ها به مرور از مسیر حرف‌شنوی و تاثیرپذیری از مادر فاصله می‌گیرند.

بزرگی خانه مایی

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. ببینید که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «المرأة، سيدة بيتها»^۲ (بزرگ خانه، زن خانه است). در واقع خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید.^۳ رهبر معظم انقلاب در بزرگی مقام زن تعبیر جالبی دارند:

مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و باارزش‌تر است. بزرگ‌ترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های فازه‌پیما بسازند،

۱. نک: بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۶ آبان ۱۳۸۳.

۲. «كل نفس من بني آدم سيد فالرجل سيد أهله، و المرأة سيدة بيتها؛ هر یک از فرزندان آدم فرمان روائیست مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است.» (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة/ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، ص ۶۱۴).

۳. بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه، ۱ خرداد ۱۳۹۰.

وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ‌یک از این‌ها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به‌وجود آورد و او، مادر است.»

لعنت به والدینی که...

شاید باورش سخت باشد که با این همه ارزش و مقامی که مادرها و پدرها دارند گاهی کاری می‌کنند که لعنت خدا را می‌خرند. بله، تعجب نکنید! این سخن پیامبر خدا ﷺ است که فرمود: «لَعْنُ اللَّهِ وَالَّذِينَ حَمَلُوا وَوَلَدَهُمَا عَلَىٰ عُقُوبِهِمَا»^۲ (خدا پدر و مادری را لعنت کند که فرزندانشان را به سمت عاق والدین شدن سوق می‌دهند). یعنی بعضی از پدر و مادرها طوری بچه‌هایشان را تربیت می‌کنند که بچه ناخلف می‌شود و خود این پدر و مادر از دستش به ستوه می‌آیند. آخر کار هم عاقش می‌کنند. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید که این عاق شدن فرزند نتیجه تربیت خود آن پدر و مادر است؛ پس لعنت خدا بر این پدر و مادر. می‌بینید که مادری و پدری چقدر حساس است. ادامه حدیث را ببینید. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنْ عُقُوبٍ وَوَلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوبِهِمَا»^۳ (ای علی! هر وزر و وبالی که به سبب عاق والدین شدن، دامن‌گیر فرزند می‌شود، به سبب عاق فرزند شدن، دامن‌گیر پدر و مادر نیز می‌شود.) بدبخت‌اند پدر و مادرهایی که فرزندان‌شان چنین تربیت کرده‌اند.

رحمت به والدینی که...

می‌بینید که مادرشدن این همه ارزش دارد و به آن سفارشان کرده‌اند یک‌چیز است و مادری کردن و تربیت و محبت به فرزند چیز دیگری. روی دیگر سکه هم مادرانی هستند که خدا برایشان رحمت

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۲۵ آذر ۱۳۷۱.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۲.

۳. همان، ص ۳۷۲.

می‌فرستند: «رَجِمَ اللَّهُ وَالَّذِينَ حَمَلُوا وَلَدَهُمَا عَلَىٰ بَرْهَمًا»^۱ (خدا رحمت کند پدر و مادری که فرزند خود را به نیکی کردن به خویش و جلب رضایتشان سوق می‌دهند).

کربلا را ببینید. مادران در کربلا چه نقشی داشتند؟ مادرانی که فرزندانشان را به یاری امام فرستادند یک‌طرف و مادرانی که فرزندان را برای قتل حسین (علیه السلام) تربیت کرده بودند. شب عاشورا وقتی شمر، برای عباس (علیه السلام) امان‌نامه آورد. حضرت عباس (علیه السلام) به او فرمود: «تَبَّتْ يَدَاكَ يَا شَمْرُ، لَعْنِكَ اللَّهُ وَ لَعْنُ مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ أَمَانِكَ هَذَا، أَتَأْمُرُنَا أَنْ نَتْرَكَ أَخَانَا الْحُسَيْنِ بْنِ فَاطِمَةَ وَنَدْخُلُ فِي طَاعَةِ الْأَعْنَاءِ وَأَوْلَادِ الْأَعْنَاءِ؟»^۲ (دستانت بریده باد ای شمر، لعنت خدا بر تو و بر امان تو باد. آیا به ما امان می‌دهی ولی دُرْدَانَهُ رسول‌الله ﷺ و جگرگوشه زهرا (علیها السلام) امان نداشته باشد؟ آیا از ما می‌خواهی که از طاعت بردارمان حسین (علیه السلام) خارج شویم و به اطاعت ملعون‌هایی از فرزندان ملعونان درآییم؟)

یعنی دشمنان حسین (علیه السلام) از مادران ملعون متولد شده‌اند. وای به حال مادرانی که چنین‌اند و خوش به حال مادرانی که با فرزندانشان یاریگر خدا و دین خدا شدند. نمونه بارزش هم مادر خود ابافضل‌العباس است. ام‌البینین، چهار فرزندش را طوری تربیت کرد که دور سیدالشهداء می‌گشتند و قربانش می‌رفتند. ام‌البینین نمونه مادری است که رحمت و درود ابدی خدا را برای خودش کرد.

مادری کن!

وقتی مفهوم مادری را درک کنید می‌بینید که حتی کسانی که به دلیل بیماری نمی‌توانند مادر شوند هم می‌توانند مادری کنند. نمونه‌اش هم آسیه زن فرعون است. آسیه، یکی از چهار زن بهشتی است که هیچ‌وقت مادر نشد؛ اما مادری کرد آن‌هم برای پیامبر خدا. عشق و محبتی که آسیه خرج پیامبر خدا کرد را شنیده‌اید. وقتی

۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۹۰.

۲. خوارزمی، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۱، ص ۳۴۹.

موسی را از رود نیل گرفت، آمد پیش فرعون و به او گفت: «فُرْتُ عَيْنِي لِي وَ لَكَ» (این نور چشم من و توست.) «لَاتَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَوَلَدًا» (نکشیدش! شاید برای ما مفید باشد یا این که او را به فرزندی قبول کنیم).

آسیه مادر نشد؛ ولی مادری کرد. بامحبت و عشق، موسی را بزرگ کرد و در دامن‌پاک خودش او را رشد داد. نمونه‌دیگرش هم عزیز مصر و همسرش زلیخاست. آن‌ها هم فرزندی نداشتند؛ اما برای یوسف پدر و مادری کردند. پس می‌شود مادر نبود و مادری کرد؛ همان‌طور که می‌شود مادر بود و مادری نکرد. این‌ها دو روی یک سکه‌اند. بله، امروز متأسفانه زنانی را می‌بینیم که مادری را کنار گذاشته‌اند. به‌خاطر دغدغه‌اشغال و این‌گونه مسائل خودشان را از داشتن موجود پر خیروبرکتی به نام فرزند محروم می‌کنند. درواقع با این کارشان برخلاف طبیعت بشری و زنانه خود پیش می‌روند.

شهیده زینب کمایی، مصداق زیبایی برای زنی است که مادر نبود اما مادری می‌کرد. بزرگ‌ترین آرزوی این بود که مثل حضرت زهرا قبل از هجده سالگی شهید شود. برادرش می‌گفت من همیشه فکر می‌کردم محل شهادت فقط در جبهه‌هاست و آرزوی شهادت خواهرم در شاهین شهر اصفهان که خبری از جنگ نبود را درک نمی‌کردم. اما زینب همیشه آماده بود و غسل شهادت می‌کرد. آخر هم به آرزوی رسید و منافقین او را ترور، و با چادر خفه‌اش کردند.

این که چرا این خانم به این مقام رسید، دلایل زیادی دارد داستانی دارد که مفصلش در مستند «من میترا نیستم» و کتاب «راز درخت کاج» آمده است. اما یکی از دلایل شهادتش همین مادری کردن برای دیگران بود. مادر نشده بود، اما مثل یک مادر مهربان برای رشد همکلاسی‌ها و همشهری‌هایش مادری می‌کرد. مثلاً وقتی می‌دید دو نفر از بچه‌های مدرسه با هم مشکل پیدا کرده‌اند، خودش را به آب و آتش می‌زد تا

رابطه‌شان را اصلاح کند. آنقدر فعال بود که می‌گفتند همه چیز در مدرسه زینب است. حتی با بچه‌هایی که خیلی هم مذهبی نبودند دوست می‌شد و به آن‌ها محبت می‌کرد. از همین طریق هم آن‌ها را جذب می‌کرد. با آن‌که سن کمی داشت، مادری کردن را بلد بود.^۱

خطایی بزرگ

ببینید رهبر معظم انقلاب در این باره می‌گوید:

کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که نیازی به آن‌ها نیست رها می‌کنند، اشتباه می‌کنند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر و چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.^۲

خانم طباطبایی، عروس امام، نقل می‌کند:

امام علیه السلام نقش مادر را در خانه خیلی تعیین کننده می‌دانستند و به تربیت بچه‌ها خیلی اهمیت می‌دادند. گاهی که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم، پس زن باید همیشه در خانه

۱. نک: مستند «من میترا نیستم».

۲. بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰ اسفند ۱۳۷۵.

بماند، می‌گفتند: شما خانه را کم نگیرید؛ تربیت بچه کم نیست. اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت مهمی به جامعه کرده است. ایشان معتقد بودند: تربیت فرزند از مرد بر نمی‌آید و این کار، دقیقاً به زن بستگی دارد؛ چون عاطفه زن بیش‌تر است و قوام خانواده هم باید بر اساس محبت و عاطفه باشد.^۱

مادری یعنی...

مادری کردن یعنی با محبت و عشق، بهترین درس‌های زندگی را به فرزندت بدهی و رشد و پیشرفتش را تضمین کنی. شاکله شخصیتی فرزندان در خانواده شکل می‌گیرد؛ به‌ویژه مادرها در شکل‌گیری این شاکله نقش مهمی دارند. یکی از روان‌شناسان معروف و نظریه‌پردازان مطرح دنیا به نام ژان پیاژه می‌گوید: «۸۵ درصد صفات فرزندان به مادران برمی‌گردد»^۲؛ بیخود نیست که اسلام توصیه می‌کند، برای ازدواج زنی را انتخاب کنید که ویژگی‌های خوبی داشته باشد.

شنیده‌اید امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم بعد از فاطمه (علیها السلام) می‌خواست ازدواج کند به برادرش فرمود: برایم همسری پیدا کن که از قبیله‌ای شجاع باشد. برادرش هم، قبیله بنی‌کلاب را به او پیشنهاد داد و او هم با ام‌البنین ازدواج کرد.^۳ ام‌البنین نمونه زنی بود که فرزندانش را به بهترین شیوه تربیت کرد و ادامه‌دار شد در تاریخ. بله، ام‌البنین فاطمه‌ای دیگر بود. بچه‌های ام‌البنین بودند که در کربلا شجاعانه تا پای جان ایستادند و وفاداری خود را به سیدالشهدا (علیه السلام) اثبات کردند.

اینجا نکته‌ها نهفته است. یکی از نکات تربیتی‌اش برای ما این است که در

۱. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر/ سیره خانوادگی علما و بزرگان دین، ص ۱۳۲.
۲. «تربیت نسل تمدن ساز در گفتمان تربیتی حضرت زهرا (علیها السلام)، خبرگزاری مهر، دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/5138219>، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹.
۳. «زوی أن أمیر المؤمنین علیاً (علیه السلام) قال لأخیه عقیل وکان نسابه عالمأ بأنسأب العرب وأخبارهم: أنظر إلی امرأة قد ولدتها الفحولة من العرب. لا تَزُوجها فتلد لی غلاماً فارساً. فقال له: تزُوج أم البنین الکلابیة، فإنه لیس فی العرب أشجع من آبائها» (محمد محمدی ری‌شهری، دانشنامه امام حسین (علیه السلام) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۷، ص ۱۰۶).

ازدواج باید ملاک‌ها را طوری دیگر در نظر گرفت. این که فقط ملاک زیبایی و پول برایمان مهم باشد درست نیست. ملاک اصلی تقواست و ایمان. ملاک اصلی وفاداری است و فهم تربیتی. بله، فهم تربیتی خیلی مهم است. شاید این کلمه برایتان نامفهوم باشد. قدری توضیح می‌دهم. فهم تربیتی را زنی دارد که از کنار تربیت فرزند با سهل‌انگاری عبور نمی‌کند. برای تربیت بچه‌ها دغدغه و برنامه دارد. آن هم برنامه‌ اصولی و درست. فهم تربیتی را زنانی دارند که مادری کردن بلندند. چرا اسمش را گذاشتیم فهم تربیتی؟ چون ارتباط مستقیم با فهم دارد. یعنی مثلاً اگر زمانی رفتار ناشایستی از فرزندش دید، سریع او را دعوا نکنند، فکر کند ببیند چه شده که چنین رفتاری در فرزندم نمایان شده است. این زن فهم تربیتی دارد. خیلی از زن‌ها و مادرها، مادری کردن را بلد نیستند. شاید بگویید چنین همسری به راحتی پیدا نمی‌شود. بله، سخت است؛ اما شدنی است. مسلماً پیدا کردن همسری که در اتفاقات زندگی این‌گونه ریشه‌یابی کند، سخت است. اما اگر شما در انتخاب همسران ملاک‌های اصلی را لحاظ کنید، حتی اگر همسران همان اول کار هم فهم تربیتی بالایی نداشته باشد، بعد از ازدواج می‌تواند این ویژگی را در خود ایجاد کند. دختری که دغدغه تربیت سرباز برای یاری دین دارد، زمینه مجهز شدن به اصول درست تربیتی را داراست. اما دختری که ارزش‌های زندگی‌اش متوقف است در مدگرایی و تفریح و کار، نه‌تنها در تربیت فرزندان درست عمل نمی‌کند، بلکه با سهل‌انگاری و روش‌های غلط تربیتی، شالکه تربیت فرزندان را نیز بر هم خواهد زد.

تربیت به سبک فاطمه علیها السلام

مادری کردن همان راهی بود که فاطمه پرچم‌دارش بود و ام‌البینین‌ها و زینب‌ها دنباله‌روی آن. بله، فاطمه، مادری می‌کرد برای بچه‌هایش. با آن‌ها بازی می‌کرد و برایشان وقت می‌گذاشت. می‌دانست که بازی با فرزندان بیهوده نیست، وقت تلف کردن نیست.

نقل کرده‌اند که امام حسن علیه السلام در کودکی به مسجد می‌رفت و پای منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌نشست. وقتی برمی‌گشت به خانه، جلوی مادر

می‌نشست و هر چیزی یاد گرفته بود را برای مادرش می‌گفت. حضرت زهرا (علیها السلام) با وسایل خانه منبری برایش درست می‌کرد و به حسنش می‌گفت برو بالای منبر و برایم بگو امروز در مسجد چه یاد گرفتی؟ امام مجتبی (علیه السلام) هم شروع می‌کرد به سخنرانی و برای مادرش حرف می‌زد و حرف می‌زد. مادر هم با اشتیاق گوش می‌داد و تشویقش می‌کرد. بعد امیرالمؤمنین هم به خانه می‌آمد و می‌دید فاطمه (علیها السلام) همه آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از قرآن و وحی بیان کرده است را می‌داند. با تعجب می‌پرسید تو این‌ها را از کجا شنیدی؟ فاطمه (علیها السلام) هم با لبخندی جواب می‌داد مجتبی (علیه السلام) برایم همه را تعریف کرده است.^۱

نقش پدر

برای مادری کردن باید شرایط را فراهم کرد. مادر بودن یعنی فرد توانایی جسمی، فکری و توانایی‌های روحی‌روانی خود را بالا ببرد تا بتواند نقش‌آفرینی کند. مادرانی که توجه به وضعیت روحی و روانی خود نمی‌کنند، یا شوهری که توجهی به وضعیت جسمی، روحی‌روانی همسرش نداشته باشد مقصر است.

درست است که اصل تربیت فرزند با مادر است؛ اما زمینه‌سازی این تربیت بر عهده مردهاست. اگر مادری آرامش روحی و فکری نداشته باشد، نمی‌تواند بچه‌هایش را درست تربیت کند. این زمینه روحی را تا حد زیادی مرد خانواده فراهم می‌کند. این مردها هستند که با توجه به مادر و محبت به او این جایگاه را تقویت می‌کنند. یکی از مهمترین نیازهای افراد در خانواده که لازم است همه آن را به طور جدی در نظر داشته باشند، مورد توجه قرار

۱. «أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ يَخْضُرُ مَجْلِسَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَ هُوَ ابْنُ سِنِينَ فَيَسْمَعُ الْوَحْيَ فَيَحْفَظُهُ فَيَأْتِي أُمَّهُ فَيُلْقِي إِلَيْهَا مَا حَفِظَهُ فَلَمَّا دَخَلَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَجَدَ عِنْدَهَا عُلَمَاءَ فَيَسْأَلُهَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ مَنْ وَلَدَكَ الْحَسَنَ فَتَخْفَى يَوْمًا فِي الدَّارِ وَ قَدْ دَخَلَ الْحَسَنُ وَ قَدْ سَمِعَ الْوَحْيَ فَأَرَادَ أَنْ يُلْقِيَهُ إِلَيْهَا فَأَرْتَجَّ عَلَيْهِ فَعَجِبَتْ أُمُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ لَا تَعْجِبِينَ يَا أُمَّاهُ فَإِنَّ كَبِيرًا يَسْمَعُنِي وَ اسْتِمَاعُهُ قَدْ أَوْقَفَنِي فَخَرَجَ عَلَيَّ فَقَبَلَهُ وَ فِي رِوَايَةٍ- يَا أُمَّاهُ قَلَّ نَبَانِي وَ كَلَّ لِسَانِي لَعَلَّ سَيِّدًا يَرْعَانِي» (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب (عجل)، ج ۴، ص ۷).

گرفتن است. این نیاز در بین زنان بیشتر است. زنان در خانواده دوست دارند شوهرشان به آن‌ها توجه و ابراز علاقه کند. این کار مرد جایگاه ویژه‌ی مادر را برای فرزندان هم روشن می‌کند. بله، به او ابراز علاقه کنید، به خواسته‌هایش توجه کنید، نیازهایش را برآورده کنید، در کارها به او کمک کنید، برایش وقت بگذارید. ببینید، شاکله‌ی زن‌ها بر اساس عاطفه بنا شده و یکی از مهم‌ترین رفتارهای عاطفه‌شکن بی‌توجهی به خانم‌هاست! سکوت مرد به شدت زن را آزار می‌دهد. پس برای حفظ و پاسداشت عاطفه‌ی همسران با او صحبت کنید. این صحبت کردن با همسر به شدت در آرامش داشتن زن‌ها موثر است. بی‌جهت نیست که پیامبر خدا فرمودند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»^۱ (در پیشگاه خداوند، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در این مسجد من، محبوب‌تر است.) پس باید برای مادر و پدر موفق شدن و برای تربیت فرزندان وقت جدی بگذاریم. سطح اطلاعاتمان را متناسب با زمان و مکان افزایش دهیم.

ایفا کردن نقش مادری در عشق است و محبت. مادران قطب عشق و محبت و مرکز مهربانی خانه‌اند. مادر حرکت‌دهنده‌ی موتور خانواده است. موتور خانواده، سوختش عشق است و محبت؛ عشق و محبتی که منبع و معدنش مادر خانواده است. محبت برای هر انسانی، در هر جایی، در هر زمانی، در هر سنی، با هر جنسیتی یک نیاز محسوب می‌شود. محبت مادرانه هم نیاز اساسی فرزند برای تربیت است و اگر به این نیاز فرزند توجه نشود کار سخت می‌شود.

اینجا هم نقش مرد بسیار پررنگ است. مردها باید بدانند که زن تا محبت نبیند و از محبت سیراب نشود، نمی‌تواند محبت را به خانواده‌اش تزریق کند. کسی که خودش تشنه‌ی محبت است، توان سیراب کردن دیگران را ندارد. پس مردها هم باید دقت کنند که در ابراز علاقه به همسرانشان، به‌ویژه ابراز علاقه‌ی زبانی کوتاهی نکنند. نگویید که من با کار کردن دارم عملی به همسرم محبت می‌کنم، این کارهای عملی و کمک‌ها سر جای خودش، اما نیاز زن به شنیدن جملات عاطفی بسیار مهم است. حتی خرید گران‌قیمت‌ترین لباس‌ها و طلاها هم جای جملات عاطفی را برای

۱. وزام بن ابی فراس، مجموعه وزام، ج ۲، ص ۲۲.

زن نمی‌گیرد. زن دوست دارد از همسرش محبت کلامی دریافت کند. محبت کلامی به شدت در تأمین آرامش روحی و روانی زن موثر است. به همین جهت پیامبر خدا فرمودند: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِمَرْأَةٍ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (دوستت دارم که مرد به همسرش می‌گوید، هیچ‌وقت از قلب همسرش نمی‌رود). پس تا می‌توانید به همسران ابراز علاقه کنید.

مهربان‌ترین مادر

فاطمه علیها السلام مهربان‌ترین مادران دنیا بود. سلمان در این باره می‌گوید: روزی فاطمه زهرا علیها السلام را دیدم که مشغول آسیاب بود و امام حسین علیه السلام هم گریه می‌کرد. عرض کردم: «إِنِّي مَوْلَى عَتَاقَةٍ إِنَّمَا أَنَا أَطْحَنُ الشَّعِيرَ أَوْ أَسْكُتُ الْحُسَيْنَ» (من بنده آزادشده پدر شما هستم، پس اجازه دهید برای کمک به شما یا جو را آسیاب کنم و یا اینکه حسین را ساکت کنم).

حضرت جواب دادند: «لَكَ فَقَالَتْ أَنَا بِتَشْكِينِهِ أَزْفَقُ وَ أَنْتَ تَطْحَنُ الشَّعِيرَ»^۲ (من به آرام کردن فرزند تواناترم شما آسیاب را بچرخانید.) امروز هم صدیقه طاهره مشغول مادری است. تابه‌حال فکر کرده‌اید که چقدر برای حضرت زهرا علیها السلام عزیز هستید؟ چقدر در زندگی‌تان فاطمه علیها السلام مادری کرده است؟ چقدر مشکلات و سختی‌ها را در زندگی‌تان برطرف کرده است؟ بله، باورش برای ما سخت است. اما اگر فاطمه علیها السلام را بشناسید می‌بینید که فاطمه علیها السلام مادر است و مادری می‌کند. این مادری هم ادامه دارد. در لحظات مرگ و در قیامت هم مهر و محبت فاطمه علیها السلام است که کمک‌حال ماست.

تربیت فاطمی

باور کنید فاطمه زهرا علیها السلام تربیت ما را هم بر عهده گرفته است. نه این که این یک حرف ذوقی باشد، نه. این کلام امام صادق علیه السلام است. می‌فرماید: «إِنَّ أَطْفَالَ شَيْعَتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ تُرَبِّيهِمْ فَاطِمَةُ»^۳ (فاطمه فرزندان شیعیان را تربیت می‌کند). یکی از بهترین جاهایی که می‌توان به روشنی ردپای محبت و هدایت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۳۲.

و تربیت مادر سادات را پیدا کرد در دفاع مقدس است. شهدا تربیت شده حضرت زهرا علیها السلام هستند. این جملات عاشقانه و عارفانه «شهید ناصریان» را دقت کنید که چگونه با بی‌بی دو عالم نجوا می‌کند:

از مادرم فاطمه زهرا علیها السلام، از بهترین مادر دنیا صحبت کردن برایم مشکل است... زهرا مادر پهلو شکسته ماست... قبل از اینکه به جبهه بیایم، کم می‌شناختمش و با هم میانه‌ای نداشتیم. در یکی از دعاهای توّسل، که شبی از ده شب اول آمدم، بر پا شده بود، یک مرتبه حس کردم انگار میان من و زهرا علیها السلام حجابی نیست. من او را نمی‌دیدم، اما انگار او حرف‌هایم را می‌شنید و من هم پشت سر هم با او حرف می‌زدم و درد دل می‌کردم و این برنامه، شب‌های بعد هم در دعاهای توّسل و در خلوت بیابان‌ها ادامه داشت. هرگاه مسئله‌ای دارم یا مشکلی که حل نمی‌شود، به سراغش می‌روم. اگر خالص شویم و تزکیه پیدا کنیم ان‌شاءالله، توّسل به حضرت زهرا علیها السلام سریع‌الاجابه است. البته هر خواسته‌ای هم که اشتباه بوده یا زود بوده، جواب نداد، و به نحوی هم فهمانده که چرا جواب نداد است.^۱

این رابطه‌ها هم دو طرفه است. نمونه‌اش در زندگی سردار شهید حاج مصطفی ردانی‌پور پرننگ است. وقتی می‌خواست برای عروسیش کارت دعوت بنویسد، اول رفته بود سراغ اهل بیت علیهم السلام. یک کارت نوشته بود برای امام رضا علیه السلام و به مشهد فرستاده بود. یک کارت برای امام زمان علیه السلام و به مسجد جمکران برده بود. یک کارت هم به نیت حضرت زهرا علیها السلام انداخته بود توی ضریح حضرت معصومه علیها السلام. قبل از عروسی حضرت زهرا علیها السلام را خواب دیده بود که حضرت به او فرموده بود: چرا دعوت شما را رد کنیم؟ چرا به عروسی شما نیایم؟ شما عزیز ما هستی.^۲

۱. «انس شهدا با حضرت زهرا علیها السلام»، تبیان، دسترسی در: <https://article.tebyan.net/314615>، ۲۳ اسفند ۱۳۹۴.

۲. نک: «مجلس عروسی که حضرت زهرا علیها السلام در آن حضور یافت»، تارنمای ابر و باد، دسترسی در: <https://www.abrobad.net/fa-ir/Article/Details/wedding-party>، بی‌تا.

مادرم نجاتم داد

شهید ابوترابی نقل می‌کند در زندان‌های عراق، اذان با صدای بلند ممنوع بود. ما هم طوری اذان می‌گفتیم که بعضی‌ها نفهمند. یک‌بار پسری ۱۷ ساله که از لحاظ جسمانی خیلی ضعیف بود، موقع نماز صبح شروع کرد به بلندبلند اذان گفتن. یک مأمور بعثی فهمید و آمد این پسر ۱۷ ساله را با خودش ببرد. یکی از اسرا که سن دارتر بود، تا این صحنه را دید، با خودش گفت که این بچه ۱۷ ساله زیر شکنجه‌های این بعثی‌های نامرد زنده نمی‌ماند. به همین دلیل خودش را انداخت جلو و گفت من بودم که اذان می‌گفتم. این مأمور بعثی هم قبول نمی‌کرد و می‌گفت: من خودم دیدم که او داشت اذان می‌گفت. وقتی کار به اینجا رسید این بنده خدا دستش را گذاشت روی گوشش و شروع کرد به اذان گفتن با صدای بلند. بالاخره ورق برگشت و دست از سر این بچه ۱۷ ساله برداشتند و آن بسیجی ایثارگر را گرفتند و بردند انفرادی. شانزده روز هم به او آب ندادند.

زندان‌های موصل مانند کوره گرم بود. آن مأمور عراقی هم، برای اینکه شکنجه را بیشتر کند، گاهی آب می‌پاشید داخل آن اتاق انفرادی و اتاق دم می‌کرد و گرما دوبرابر می‌شد.

روز آخر که تشنگی داشت هلاکش می‌کرد به حضرت زهرا علیها السلام متوسل شد و گفت: «بی‌بی جان! حال و روزم را ببینید. افتخار می‌کنم اگر مثل فرزند ما تشنه شهید بشوم». این جمله را گفت و سرش را زمین گذاشت و با توسل به حضرت زهرا علیها السلام از اون وضعیت رها شد. قصه هم این بود که وقتی داشت از تشنگی جان می‌داد و شهادتین را می‌خواند، این مأمور بعثی صدا می‌زند: «بلند شو برایت آب آوردم، بلند شو». گریه می‌کرد و می‌گفت: «تو را به حضرت زهرا علیها السلام آب بخور». این بنده خدا می‌گوید: تا اسم حضرت زهرا علیها السلام را برد سرم را برگرداندم و آب را خوردم. بلافاصله مأمور گفت: تو را به حضرت زهرا علیها السلام حلالم کن! من هم گفتم: تا نگوویی چه شده حلال نمی‌کنم. او هم با گریه جواب داد: دیشب، مادرم مرا از خواب بیدار کرد. گریه می‌کرد و عصبانی بود. پرسیدم چه شده و جواب داد: تو باید بگوویی چه شد؟! مرا پیش حضرت زهرا علیها السلام شرمندہ کردی! خواب

حضرت زهرا علیها السلام را دیدم که به من می‌گفت برو به پسرِت بگو دل اسیری را که شکسته و اذیتش کرده به‌دست بیاورد و گرنه همه شما را نفرین می‌کنم.^۱ خیلی از شهدا دوست داشتند مانند فاطمه علیها السلام باشند؛ هم در زندگی و هم در مرگ. زندگی‌شان در دفاع از دین و مرگشان در شهادت برای خدا. بعضی از بچه‌های جنگ پلاک خودشان را به دیگران می‌دادند و می‌گفتند می‌خواهیم مثل فاطمه علیها السلام بی‌نشان از دنیا برویم. شهید سید ابراهیم تارا، بارها می‌گفت: «می‌خواهم مثل مادرم فاطمه علیها السلام گمنام باشم. کسی برایم چلچراغ نگذارد.»^۲

مادری که در زندگی کسی قدرش را ندانست. هنگام وفاتش هم غصه‌دار بود. چه کردند با فاطمه علیها السلام؟!

مادری پیش نگاه دخترش آتش گرفت

دختری از آه سرد مادرش آتش گرفت

آن قلافی که دلیل مرگ مادر بود، آه

حنجر اولاد او از خنجرش آتش گرفت

امام صادق علیه السلام فرمود: وَ كَانَ سَبَبٌ وَفَاتَهَا أَنْ قُنْفُذاً مَوْلَى عُمَرَ لَكَرَّهَا يَنْغَلِ الشَّيْفُ بِأَمْرِهِ، فَأَسْقَطَتْ مُحَسَّنًا وَ مَرِيضًا مِنْ ذَلِكَ مَرَضًا شَدِيدًا، وَ لَمْ تَدْعَ أَحَدًا مِمَّنْ آذَاهَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا.

زیر دست و پای شیطان بود قرآن، وای وای

گو به احمد آیه‌های کوثرش آتش گرفت

۱. ناصرکاوه، کتاب شهدا و اهل بیت علیهم السلام، حماسه‌های ناگفته، خاطره از مرحوم ابوترابی، ص ۹۰.

۲. «گمنامی برای شهرت پرست‌ها دردآور است اگرچه، همه اجرها در گمنامی است»، خبرگزاری دفاع مقدس، دسترسی در: <https://defapress.ir/fa/news/34393>، ۲۶ آذر ۱۳۹۳.



• مجلس سوم •
رنج شیرین مادری



باید در عاشقی به شما اقتدا کنیم رخصت گرفته ایم که مادر صدا کنیم

وقتی آیات قرآن را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم خداوند متعال مسائل و قوانین زندگی و رنج‌ها و لذت‌هایش را، بدون تعارف، با ما در میان گذاشته است. بهترین کتاب انسان‌شناسی قرآن است؛ همان طور که بهترین کتاب دنیاشناسی است. یعنی اگر شما بخواهید دنیا را بشناسید، زیروبم دنیا دستتان بیاید و ببینید چطور باید در دنیا زندگی کنید، بدون شک باید به قرآن مراجعه کنید.

به‌عنوان مثال گاهی ما امری در زندگی را دنبال می‌کنیم و فکر می‌کنیم خیرمان در آن است. در حالی که برایمان شرّ و بدبختی است: «عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ»^۱ همین طور است اموری که آن‌ها بد می‌دانیم و از آن‌ها دوری می‌کنیم، در حالی که خیر مادر آن است: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»^۲

۱. بقره، ۲۱۶.

۲. همان.

قانون زندگی

یکی از این اندیشه‌هایی که خدا، درباره‌اش با ما سخن گفته، موضوع رنج و لذت است.^۱ این کلام خداست که می‌گوید: ما اساساً انسان را در رنج آفریدیم: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^۲. نه اینکه رنج را به انسان پیشنهاد بدهیم! نه. ما او را در رنج آفریده‌ایم. شما هم وقتی صفحات تاریخ بشر را ورق می‌زنید می‌بینید همیشه انسان‌ها دنبال راهی بودند که این درد و رنج را از بین ببرند یا لااقل آن را کم کنند. بله، یکی از قانون‌های دنیا رنج و سختی است؛ اما قانونی که همراهش آسانی و راحتی هم است؛ یعنی رنج، مطلق و ممتد نیست. همراه رنج، راحتی و گشایشی است. ببینید که خدا فرمود: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۳ (پس مسلماً با [هر] سختی آسانی است). انگار باور این مسئله راحت نبوده و نیست که خداوند بلافاصله با تأکید ادامه می‌دهد: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۴ (مسلماً با [هر] سختی آسانی است). رنج و لذت در دنیا به هم دوخته شده است و در پس هر رنجی، راحتی و لذتی خوابیده است. این همان تفکری است که قرآن می‌گوید. کسی که این قانون را می‌پذیرد در سختی‌ها و رنج‌ها، شرح صدری پیدا می‌کند و زندگی آرام‌تری دارد.

آرامش فاطمی

اگر می‌بینید کسانی مثل فاطمه زهرا علیها السلام، با آن همه سختی و رنجی که در زندگی داشت، آرام بودند و این آرامش را به دیگران هم می‌بخشیدند، یکی از مهم‌ترین علت‌هایش این است که دنیا و قوانینش را می‌شناختند. آن همه سختی و رنجی که فاطمه زهرا علیها السلام در زندگی کشیده بودند باور نکردنی است:

۱. بلد، ۴؛ انشاق، ۶.

۲. بلد، ۴.

۳. انشراح، ۵.

۴. انشراح، ۶.

«در دوران کودکی، محنت شعب ابی‌طالب را احساس می‌کند و درک می‌کند. از کودکی وارد میدان‌های دشوار زندگی می‌شود. مادر را از دست می‌دهد که برای دختری در این سن بسیار دشوار است؛ اما او در کنار تحمّل این دشواری کار بزرگی را انجام می‌دهد و آن غم‌گساری پیغمبر ﷺ است. پیغمبر ﷺ که هم خدیجه را، هم جناب ابی‌طالب را از دست داده، نیاز به غم‌گسار دارد و این دختر است که غم‌گسار پدر می‌شود. این غم‌گساری همین‌طور ادامه پیدا کرد تا دوران مدینه و در اُحد و در خندق و در بسیاری جاهای دیگر که آن وقت پیغمبر ﷺ فرمود: «فَاطِمَةُ أُمُّ أَبِيهَا» مادری کرد برای پیغمبر. بعد، مسئله هجرت، آزمون‌های بی‌نظیر دوران مدینه، همسری با علی بن ابی‌طالب که یک پایش در خانه است، یک پایش در میدان جهاد، تحمّل این سختی‌ها، و بعد تربیت این چهار فرزند بی‌نظیر در دوران تاریخ، بعد هم دادن اولین قربانی بعد از رحلت پیغمبر ﷺ، محسن، و درنهایت شهادت خود او چند ماه بعد از پیغمبر ﷺ.»^۲

فاطمه زهرا علیها السلام در سختی‌ها به دنیا آمد و در رنج‌ها بزرگ شد و با دلی پُر درد از دنیا رفت. در کنار همه این سختی‌ها او هیچ‌وقت ضعف یا سستی به خود راه نداد و با کمک گرفتن از خداوند متعال در این راه استقامت کرد. هیچ‌گاه زبان به گله و شکایت باز نکرد، بلکه همیشه شاکر نعمت‌های خدا بود.

حدیثی است از جابر بن عبدالله انصاری که نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده بود و با یک دست مشغول آسیاب کردن بود و با دست دیگر مشغول شیردادن به فرزندانش؛ «فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ» (چشمان رسول خدا ﷺ از دیدن این صحنه پر

۱. «زَوْي فِي مَقَاتِلِ الْأَطَلَبِيِّينَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: أَنَّ فَاطِمَةَ عليها السلام كَانَتْ تُكْنَى أُمَّ أَبِيهَا» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹).

۲. نک: بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹.

اشک شد). به فاطمه‌اش فرمود: «ابتناه تعجلی مَرَاةَ الدنیا بِحلاوة الاخرة» (دخترم! سختی‌ها و تلخی‌های دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده). فاطمه در جواب گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ؛» (حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست، در برابر نعمت‌های بی‌کران او). بله، فاطمه همیشه شکرگزار بود.

راه‌رشد

ما چطور با این قانون دنیا برخورد می‌کنیم؟ ما چقدر قوانین بازی را بلدیم و چقدر به آن پایبندیم؟ راستش این است که ما «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ»^۲ هستیم. بخشی از قوانین دنیا را قبول کرده‌ایم و بخشی را نه! یا در بعضی از کارها قانون مداریم و در بقیه کارها نه! مثلاً پذیرفته‌ایم که برای داشتن اندامی زیبا باید به باشگاه پرورش اندام برویم و رنجش را تحمل کنیم یا پذیرفته‌ایم که برای رسیدن به فلان مدرک و فلان شغل باید سال‌ها کتاب بخوانیم و دانشگاه برویم و سختی‌اش را به جان بخریم، بلکه به آنچه می‌خواهیم برسیم.

اما درباره بعضی از موضوعات اصلاً نمی‌خواهیم فکر کنیم به راحتی و لذتی که در آینده به دست می‌آوریم. یکی از آن‌ها همین مسئله «مادری و پدری» است. خیلی از ما فکر می‌کنیم اگر مادر بشویم یا پدر بشویم، همه‌اش سختی است و بدبختی. آن قدر این مسئله را برای خودمان تکرار کرده‌ایم که دیگر پیش فرض ذهنمان شده است. در حالی که اگر به همان قانون دنیا فکر کنید می‌بینید که این سختی‌های مادری و پدری، لذت‌ها و شیرینی‌هایی دارد. تو انتخاب می‌کنی که در دوران پیری و ازپافتادگی‌ات در کنار فرزندان در آرامش باشی یا نه، در تنهایی‌ات بمانی و غم تنهایی را به رنج سالخوردگی‌ات اضافه کنی.

۱. محمد دشتی، نهج‌الحیاه / فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ص ۱۶۲، محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۸۶؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۴۲؛ محمدباقر مجلسی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ص ۳۲۰.

۲. نساء، ۱۵۰.

مهم‌تر از اینکه در پیری تنها نیستیم، به این فکر کنیم که تربیت یک فرزند خوب چه برکاتی می‌تواند برایمان داشته باشد، آن وقت متوجه می‌شویم که تحمل رنج مادری و پدري می‌ارزد. به عنوان مثال در روایت آمده که وقتی فردی از دنیا می‌رود، دستش از دنیا کوتاه می‌شود و دیگر قدرت جبران کوتاهی‌هایش را ندارد. اما کسانی هستند که از دنیا برایشان خیر می‌رسد؛ این‌ها همان‌هایی که فرزندان صالح تربیت کرده‌اند. بله، فرزندان ما می‌توانند بعد از مرگمان هم به ما خیر برسانند.

نقل کرده‌اند که روزی حضرت عیسی از کنار قبری می‌گذشت و دید صاحب آن قبر در عذاب است. بعد از مدتی دوباره بر سر آن قبر رفت و دید ملائکه‌ای با طبق‌های نور کنار آن قبر ایستاده‌اند. از خدا سؤال کرد قصه چیست؟ جواب شنید که این مرده‌ای که می‌بینی، بنده‌ای گناهکار بوده و مستحق عذاب؛ اما هنگام مرگ، همسری باردار داشت. آن زن بعد از مرگ شوهرش، فرزندش را به دنیا آورد و او را تربیت کرد. هنگامی که آن فرزند بزرگ شد. او را به مکتب خانه فرستاد. و معلّم در مکتب‌خانه به او کلمه «بسم الله الرحمن الرحيم» را آموخت. من حیا کردم پدر فرزندی که نام مرا روی زمین می‌برد عذاب کنم!

هدف را ببین!

بله، کسی در این شکی ندارد که فرزند داشتن، مسئولیت‌آور است و از ما زمان و انرژی می‌گیرد. این قبول. اما فرزند و نسل در کفه ترازوی اهدافتان چه وزنی دارد؟ آیا وزن متناسب با این مسئولیت را به آن داده‌اید؟ ادامه تحصیل یا فعالیت‌های فرهنگی چه؟ انتخاب هدف و مقصد درست برای زندگی، یکی از شاه‌کلیدهایی تحمل رنج‌ها و استفاده صحیح از لذت‌های زندگی است. اگر کسی هدف زندگی را درست انتخاب کند، در برابر رنج‌هایی که برای او پیش می‌آید به هم نمی‌ریزد و آشفته نمی‌شود. فرض کنیم وزن فرزندپروری ۲۰ درصد کل اهدافمان باشد و وزن ادامه تحصیل یا فعالیت فرهنگی‌مان هم ۲۰ درصد. اگر این‌طور باشد،

۱. نک: سید نعمت‌الله الجزائري، نورالبراهین، ج ۲، ص ۴.

هر مقدار که برای فرزندپروری وقت اختصاصی بگذاریم، پایه‌پایش برای ادامه‌تحصیل یا فعالیت فرهنگی‌مان وقت خواهیم گذاشت. حرف این است که باید در هدف‌گذاری‌مان متناسب با ارزش هر کار، وقت اختصاص دهیم. نکته‌دیگر این است که با به‌کارگیری ابزارها و فنون مختلف می‌توانیم وقتمان را بهینه‌تر استفاده کنیم. مثلاً می‌توانیم برخی فعالیت‌های فرهنگی را غیرحضورى و مجازى انجام دهیم یا فرزندانمان را در برخی فعالیت‌ها همراه کنیم.

نکته سوم هم این است که در نگاه بلندمدت، فرزندان بزرگ‌تر ما می‌توانند کمک‌کارمان باشند در کارهای زندگی و نیز نگهداری فرزندان کوچک‌تر. این البته به نوع تربیت ما و شکل‌دهی محیط خانوادگی‌مان بستگی دارد.

مانعی برای رشد؟!

متأسفانه هیاهوی تبلیغات غربی کاری کرده که موفقیت را تنها در مدرک و شغل و پول می‌بینیم و برای رسیدن به این‌ها آرام و قارمان را فدا می‌کنیم. زنی که می‌تواند بزرگ‌ترین موفقیت عالم یعنی «مادری» را از آن خود کند، به بهایی اندک این گنج گران‌بها را رها کرده و فکر می‌کند مادری با آن پیشرفت‌ها نمی‌سازد. در حالی که زیاند مادرائی که هم مشغول به درس و کارند و هم مادری می‌کنند. بله، بدون سختی که نمی‌شود. سختی هم دارد؛ اما به سختی‌اش می‌ارزد. این راز رسیدن به موفقیت است که باید تلاش کنی و سختی بکشی تا به رشدی برسی و موفقیتی را از آن خود کنی.

از این‌ها که بگذریم، در زندگی ماییم و انتخاب‌هایمان. دوروبرمان را که نگاه کنیم زیاد می‌بینیم کسانی که به بهانه درس و دانشگاه ازدواج نکردند و سنشان که بالا رفت دیگر موقعیت‌های ازدواج را از دست دادند. یا خانواده‌هایی را که با همین بهانه، فرزندآوری را برای بعد گذاشتند و حالا مشکلات جسمی نمی‌گذارد فرزنددار شوند. یا آن‌ها که دیر بچه‌دار شدند و دیگر حال و حوصله بچه و تربیتش را ندارند.

زندگی فاطمه زهرا عليها السلام را ببینید. در همان سال‌های کمی که در خانه

علی علیه السلام زندگی کرد، نگاهی داشت به بلندای تاریخ. پس به کیفیت و عمق زندگی اش پرداخت. وقتی برای هدر دادن نداشت! برای لحظه‌هایش ارزش قائل بود. می‌خواست از مزرعه دنیا بهترین محصول را برداشت کند. برای همین، در همین فرصت کوتاه، مشغول «بهترین» کار شد؛ یعنی «مادری».

کارگزار خدا

فاطمه علیها السلام خودش را «کارگزار خدا» می‌دانست و نقش خودش را انسان‌سازی. بارها از پدرش شنیده بود که مادرها چه جایگاهی دارند. فاطمه علیها السلام بهتر از هرکسی درک می‌کرد که تنهایی تک‌فرزندی و نداشتن خواهر و برادر چقدر دردناک است و چقدر فرق است بین اینکه خواهر و برادر داشته باشی و نداشته باشی. برای همین بود که برای خستش علیه السلام حسین علیه السلام آورده بود و برای حسینش علیه السلام زینب علیها السلام و می‌خواست برای زینب علیها السلام نیز محسنی بیاورد که نگذاشتند. او بهتر از همه می‌دانست که نسل صالح، چه جریانی در تاریخ به راه می‌اندازد. پس فاطمه علیها السلام در یک کلام آغوش باز کرده بود برای رویش و پرورش همه خوبی‌ها.

یکی از القاب حضرت فاطمه علیها السلام «حانیه» است به معنای زن دلسوز و مشفق.^۱ روایات زیادی داریم دربارهٔ مادری‌های فاطمه زهرا علیها السلام و کارهایی که انجام می‌داد، مانند: بازی کردن با کودکان،^۲ غذا خوراندن به کودکان،^۳ هم‌زمان با هم تلاش برای برقراری عدالت در رفتارها کودکان،^۴ تلاش برای آموزش صبر در برابر سختی‌ها با آرام کردن فرزندان گرسنه‌ای که دیروز غذا نخورده بودند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷.

۲. «كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام تُرْقِضُ ابْنَهَا حَسَنًا علیه السلام وَ تَقُولُ أَشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ، وَ اخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الزَّنَنَ، وَ اغْبِذْ إِلَيْهَا ذَا مَتْنٍ، وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْنِ، وَ قَالَتْ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام أَنْتَ شَبِيبَةٌ بِأَبِي لَسْتُ شَبِيبًا بَعْلِي» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۸۹).

۳. «إِنَّ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا كَانَتْ تَمْضِغُ لِلْحُسَيْنِ ثُمَّ لِلْحُسَيْنِ علیهم السلام وَ هِيَ صَائِمَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَاطِمَةَ غَذَا مِ جَوِيدٍ لِحَسَنِ وَ حُسَيْنٍ فِي حَالِي كَمَا رُوِيَ فِي «رَوْضَةِ كَرِيمَةٍ» (جرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۰۸).

۴. نک: محمدبن علی بن بابویه (صدوق)، الامالی، ص ۴۴۶.

خانواده آرمانی

در سال‌های اخیر، ذهنیت ما ایرانی‌ها این شده که «خانواده آرمانی»، خانواده‌ای است که دو تا بچه دارد، یک دختر و یک پسر که قشنگ جنس‌مان هم، جور باشد. خانواده‌ای که به این نقطه می‌رسد، در نگاه مردم به پایان راه فرزندآوری رسیده است. اما آیا ما همیشه این‌طور فکر می‌کرده‌ایم؟ بیست سال پیش و قبل‌تر از آن، خانواده ایرانی هرچه پرتعدادتر بود، احسنت و ماشاءالله بیشتری داشت. خیلی وقت نمی‌گذرد از زمانی که می‌گفتیم «هرچی دست توی سفره بیشتر باشه، سفره بابرکت‌تره». ما باور داشته و داریم که «دولت در آن سراسر که از کودکان پُر است.»

جالب است که خانواده‌های پرجمعیت، در بسیاری جوامع، همین الانش مایه فخر و مباهات‌اند؛ مثل بسیاری از کشورهای غربی، چین، هند، جوامع عربی و مخصوصاً خانواده‌های یهودی در سرتاسر دنیا! اصلاً همین الان در عشایر خودمان خانواده‌های پرجمعیت، شأن اجتماعی بهتری دارند و کارکردهای اقتصادی بهتری. در خانواده‌های بلوچ هم، پرجمعیت‌بودن خانواده پسندیده است. پس اگر بگوییم کوچک‌شدن خانواده اصالت ندارد، بیراه نگفته‌ایم.

تجربه خانواده

بیا باید نتیجه بگیریم؛ ممکن است برخی برداشت‌های فرهنگی اصالت نداشته باشد و در مقاطع مختلف عوض شود. بماند که در این روزگار، صاحبان سرمایه و قدرت، بنا به اهداف خود، گفتمان‌های فرهنگی را مدیریت می‌کنند یا سلیقه عمومی جامعه را تغییر می‌دهند و از کجا معلوم که این حبس باکلاسی، احساسی ساختگی و مصنوعی نباشد؟! می‌دانستید کهن‌الگوی همه مردم دنیا این بوده که خانواده بزرگ نعمت است؟ می‌دانستید برکت در خانه‌ای است که کودکان در آن باشند؟^۱ یا می‌دانستید بنا به تعریف سازمان جهانی جمعیت،^۲

۱. پیامبر اکرم ﷺ: «بَيْتٌ لَا صَبِيَّانَ فِيهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ.» (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۷۴).

۲. دسترسی در: iran.unfpa.org/fa

خانواده کامل خانواده‌ای است که همه روابط خانوادگی را تجربه کند: خواهری، برادری، پدری، مادری، فرزندی. این خانواده باید دست کم چهار فرزند داشته باشد. در آینده هم، فرزندان این چهار فرزند می‌توانند عمو و خاله و عمه و دایی داشته باشند.

این‌ها را گفتیم که نتیجه بگیریم حتی اگر برچسب بی‌کلاسی به کسی خورد، خیلی جای نگرانی ندارد؛ چون با بادی، کنده خواهد شد! باید به راهی برویم که عقل و شرع تأییدش می‌کند و سرنوشت خودمان را دست این‌وآن ندهیم. مردم همیشه حرف می‌زنند. با حرف مردم که نمی‌شود زندگی خودمان را تنظیم کنیم. در دروازه را می‌شود بست؛ اما دهان مردم را نه! اگر به راه درست و خدایسند می‌رویم، خود خدا پشتمان خواهد بود و ما را از شر حرف‌های بی‌اساس برخی افراد بی‌مایه، خواهد رهند و به ما آبرو خواهد داد.

آینده‌ای روشن

از این‌ها که بگذریم، حتماً خانواده‌هایی که چند فرزند دارند، آینده آرام‌تری دارند. اگر ما الآن عصای دست پدرها و مادرهای سال‌خورده‌مان هستیم و با نیروی جوانی، کارهای میدانی و عملیاتی را چُست و چابک پیش می‌بریم، باید برای آینده خودمان هم، همین فکر را بکنیم. آینده وقت آسودگی ماست، نه زمان راندگی‌مان! امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ»^۱ (بخشی از خوشبختی انسان به این است که فرزندی کمک‌حال داشته باشد). فراموش نکنیم فرزندانمان ضامن فردای زندگی‌مان هستند.

امام عسکری علیه السلام برای یکی از شیعیانش این‌طور دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ اِزْرُقْهُ وَاوْلَادًا يَكُونُ لَهُ عَضُدًا فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَالِدُ»^۲ خدایا! فرزندی به او عطا کن که بازویش (یاورش) باشد؛ فرزند، چه خوب بازویی (یاوری) است.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲.

۲. محمدبن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۵۰، ص ۲۷۵.

رنج و شیرینی

مادری یک امر غریزی است که خداوند آن را در وجود هر زنی قرار داده است و مانند کارهای دیگر در دنیا همراه با رنج‌ها و لذت‌هایی است که قرآن در آیه «حَمَلْتَهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا»^۱ به این مطلب اشاره می‌کند. واژه «کره» در این آیه به معنای سختی با لذت و خواست قلبی است. خداوند در مادری لذت قرار داد. این عمل را برای زن لذت‌بخش کرده است.^۲ البته خداوند برای این سختی که مادرها با لذت و خواست قلبی خود در دوران بارداری تحمل می‌کند، ارزش زیادی قائل است و به‌خاطر همین، فرزندان را در مقابل آن ملزم به قدرشناسی و حمایت و سپاسگزاری از او در کنار شکرگزار از خداوند مطرح می‌کند. امثال این آیات که می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي غَامِئِنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»^۳ (ما هم به انسان درباره والدینش، به‌ویژه مادرش این‌طور سفارش کردیم: «مرا شکر کن. آنان را هم.» مادرش که او را در دوران حاملگی به شکم می‌کشد، هر روز توانش بیش از پیش تحلیل می‌رود و تازه، دو سال هم شیرش می‌دهد. حواستان باشد که به من ختم می‌شود آخراقتب همه).

کلمه «وهن» به معنای ضعف و سستی است. در کتاب‌های لغت آمده که با رشد جنین در شکم مادر، ضعف و سستی مادر، بیشتر می‌شود.^۴ به همین دلیل است که این واژه در مورد بارداری زن به کاررفته است.

در آیه دیگری، خداوند به سنگینی زن در روزهای پایان بارداری اشاره می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيمًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»^۵ (اوست

۱. احقاف، ۱۵.

۲. قدرت الله عفتی، مادر و مادری در اندیشه امام خمینی علیه السلام، پرتال امام خمینی علیه السلام.

دسترس در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n119321>، ۱۶ فروردین ۱۳۹۶.

۳. لقمان، ۱۴.

۴. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ج ۴، ۴۹۴.

۵. اعراف، ۱۸۹.

کسی که همه‌تان را از یک انسان، یعنی آدم، آفرید و از نوع او همسرش را خلق کرد. هدف این بود که او در کنار همسرش به آرامش روحی‌روانی برسد. وقتی انسان با همسرش هم‌بستری می‌کند، او باردار می‌شود. ابتدای حاملگی، سنگینی جنین را حس نمی‌کند؛ اما بعد که بچه وزن می‌گیرد، زن و شوهر از خدا می‌خواهند: «خدایا، اگر به ما بچهٔ سالمی بدهی، حتماً شکرگزارت می‌شویم.»

بعد از سختی‌های بارداری، زایمان و تولد فرزند اتفاق می‌افتد، پس از این، مرحله‌ای دیگر به‌نام «مادری» است، که همراه با سختی‌هایی است، قرآن در این باره می‌فرماید: «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَيْ جِدْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا» (تا اینکه درد زایمان، او را به زیر تنهٔ به‌ظاهر خشکیدهٔ خرمايي کشاند. از درد جسمی و فشار روحی، این‌طور نالید: ای کاش مرده بودم و این روزها را نمی‌دیدم و کلاً از یادها رفته بودم!) این آیه حال‌وروز حضرت مریم را در هنگام تولد حضرت عیسی بیان می‌کند. این‌که مریم هنگام درد زایمان، از مردم فاصله گرفت و در آن حالت آرزوی مرگ نمود. یکی از علل این آرزو، بارداری و زایمان در تنهایی و غربت بود.^۲

توجه کنید که همراهی اهل خانه می‌تواند این شرایط طاقت‌فرسا را برای مادر کمی آسان کند. پدر خانواده با انجام کارهای خانه می‌تواند دغدغه‌های مادر را کم کند و اجازه دهد مادر استراحت کند.

لذت مادری

درست است که بیشترین بار فرزندآوری بر دوش مادر است؛ ولی در کنارش لذت‌های زیادی هم قرار داده شده که انصافاً چندین و چند برابر آن زحمات و رنج‌ها را جبران می‌کند و گاهی تا حدی است که مادر آرزو می‌کند کاش بچه‌های بیشتری داشت.

بعد از این‌همه رنج و سختی، مادر به بالاترین لذت زندگی یعنی

۱. مریم، ۲۳.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور (۱۳۸۳)، ج ۷، ص ۲۵۶.

شنیدن صدای فرزند و در آغوش کشیدنش می‌رسد. لذت رابطهٔ مادری و فرزند یکی از بالاترین لذت‌هایی است که در دنیا وجود دارد. وقتی مادر لبخند شکرین کودکش را می‌بیند لذت می‌برد. وقتی می‌بیند که استعدادهایی که خدا در وجودش گذاشته حالا با تولد نوزاد به بار نشسته لذت می‌برد. وقتی می‌بیند به این مقدار در اجتماع، نقش مثبت دارد لذت می‌برد. وقتی موفقیت فرزندانش را در محیط‌های تحصیلی و شغلی و... می‌بیند قند در دلش آب می‌شود. همهٔ این‌ها موفقیت‌ها، افتخارات و سربلندی‌های مادرشدن و مادری‌های است که گاهی از نگاه خود مادران هم پنهان می‌ماند.

اگر کاری برای ما آدم‌ها لذت نداشته باشد که اصلاً سراغش نمی‌رویم. ما هر کاری می‌کنیم، مستقیم یا غیرمستقیم دنبال لذتی هستیم از آن. درست نیست؟

می‌دانستید بعد از نیازهای اولیه در سلسله مراتب نیازهای مازلو، نیازهای روانی قرار دارد که اولینش نیاز به محبت است؟ لذت‌های بچه‌داشتن بهترین پاسخ برای نیاز محبت است. تا حالا کودکتان نوازشتان کرده است؟ تا حالا صدایتان کرده و گفته «بابا جون» یا «مامانی» که دلتان آب شود برایش؟ تا حالا توی بغلتان خوابش برده که دلتان برایش پر بکشد؟ تا حالا بچهٔ حمام‌رفته در حوله تحویل گرفته‌اید؟ پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «الْوَلَدُ لِلْوَالِدِ رِجَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ يَسْمُهَا»^۱ (فرزند برای پدر، گلی خوش‌بو از جانب خداوند است که آن را می‌بوید).

اولین‌های بچه‌ها شیرین است: اولین کلمه‌ای که می‌گوید، اولین غذایی که می‌خورد، اولین قدمی که برمی‌دارد و... تا حالا بچه‌تان برایتان از خنده ریشه رفته است؟ این لذت‌ها را کجا می‌توانید بچسبید جز با فرزند خودتان؟ عمیق‌ترین لذت‌های روانی را انسان‌ها با بچه‌هایشان می‌چشند. برای همین شیرینی فرزند است که فرزندان‌ها با همهٔ زحمتهایی که بچهٔ اول برایشان

۱. محمد محمدی‌ری‌شهری، حکمت نامه کودک، ج ۱، ص ۴۰.

داشته، دوباره تمایل می‌یابند به آوردن فرزند جدید تا باز هم این لذت‌ها را بچشند. خلاصه که در دیگ ازدواج، بچه نمک غذاست و زندگی بی او هم‌سنگ عزا!

شهید مطهری رحمته‌الله علیه در این باره می‌گوید:

لذت مادری متناسب است با محبت مادری. همان طوری که محبت مادری بالاترین محبت‌هاست، قهراً لذت مادری نیز بالاترین لذت‌هاست. یک لبخند کودک، یک شیرین‌زبانی، یک التجاء به مادر، یک قد و بالای فرزند دیدن، فوق‌العاده لذت دارد. به‌طور کلی مشاهده کردن اثر، خود لذت‌بخش است. یک صنعت‌گر و یک خطاط و یک نقاش نمی‌تواند از اثر خود لذت نبرد. لذت از اثر و مخلوق و آفرینش فوق همه لذت‌هاست، خصوصاً اگر پدر و مادر در تکوین روحی، یعنی در تربیت و تأدیب و آراستگی روح فرزند خود مؤثر باشند.^۱

ببینید که شهید مطهری رحمته‌الله علیه چقدر زیبا با تشبیه کردن مادری به خطاط یا نقاشی که از اثر خودش لذت می‌برد، لذت مادری را توصیف کرده است. بله، لذت مادری یکی از بالاترین لذت‌هاست.

علاوه بر این لذت‌های مادری، مادران می‌توانند در این حالت شاهد تکامل شخصیت خود و سلامت جسم و تجلی یافتن عاطفه و احساس بالایی در خود باشند که این عاطفه و احساس به‌صورت کامل فقط در مادری آشکار می‌شود و همچنین، طبیعی بودن این غریزه باعث می‌شود پس از تولیدمثل، مرحله دوم تکثیر نسل که شامل «تداوم نسل» است، این تداوم نسل علاوه بر اینکه برای جامعه خیلی لازم و مفید است، برای مادران خیلی اثرات مهمی دارد.

۱. مرتضی مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۵۵.

تنهایی مادرا!

اگر خانواده‌ها سختی‌ها و غصه‌های مادری و فرزندآوری را که واقعاً شیرین است تحمل نکنند، باید غصه‌های سنگین‌تری را در نبود فرزند تحمل کنند.

الآن غصهٔ برخی مادران، شده گریه کردن بچه و بیدار خوابی و به خطر افتادن راحتی‌ها در زندگی! حالا فرض کنیم خانواده‌ای اصلاً بچه نداشت و خیالش از بابت گریه کردن و استراحت و... راحت بود؛ آیا زندگی او بدون رنج و سختی است؟!

بدون شک، هرکسی بخواهد به هر لذتی در دنیا برسد، باید رنج‌های آن را به جان بخرد. اما نباید فراموش کنیم که برخی از رنج‌ها و لذت‌ها زودگذرند و بعضی دیگر پایدارترند. هرچند مادر شدن و مادری کردن رنج‌هایی دارد، اما رنج‌هایی است زودگذر و لذتش پایدار. برای اینکه همین رنج‌های زودگذر و سختی‌های مادری هم در زندگی‌هایمان مدیریت شود و سختی‌هایش ما را به هم نریزد دو راهکار وجود دارد.

زندگی را از بالا ببین!

یکی از کارهایی که رنج‌های این راه را شیرین می‌کند درک قانون‌های دنیاست. این‌که بدانیم قطعاً در این دنیا رسیدن به لذت، بدون تحمل رنج نمی‌شود. این قانون دنیاست که برای رسیدن به راحتی و آرامش باید سختی کشید. آن وقت لذتی هم که بعد از سختی به دست می‌آید خیلی زیاد خواهد بود. باید زندگی را از بالا دید. این کار باعث می‌شود در پس رنج‌ها، آسانی‌ها و راحتی‌هایی را ببینید. حتماً برای شما اتفاق افتاده است که در یک ترافیک سنگین گرفتار شده باشید. شما که از پایین به ترافیک نگاه می‌کنید، خیلی ناراحت و نگران هستید و شاید از ادامهٔ مسیر ناامید شوید و برگردید. اما کسی که آن صحنه را از بالا ببیند می‌فهمد که ترافیک چند دقیقهٔ دیگر تمام می‌شود. زندگی را از بالا دیدن کمک می‌کند حوادث

زندگی، ترفیقه‌های اقتصادی، اجتماعی و سختی‌های مادری کاری نکنند که به هم بریزید و کنترلتان را از دست بدهید.

زندگی را از بالا دیدن، یعنی در کنار سختی‌ها، ۴۰ سال بعد را و بعد از مرگ را ببینید. یعنی همان طور که شلوغی امروز خانه از فرزندان را می‌بینید، آرامش سال‌های ازپافتادگی و دست‌گیری بچه‌هایتان را هم ببینید.

بن بست شکن باش!

یکی دیگر از راه‌های عبور از رنج‌ها این است که شما برای برطرف کردن رنج، اقدام کنید. باید بن بست شکن باشید. نه اینکه رنج از پا درمان بیاورد. گفتیم که رنج‌های دنیا ناپایدارند و همراهشان آسانی و راحتی است. پس نباید در مقابل این رنج‌ها عاجز شد.

این کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمود: «إِذَا نَزَلَ بِكَ مَكْرُوهٌ فَانْظُرْ فَإِنْ كَانَ لَكَ حِيلَةٌ فَلَا تَعْجِزْ» وقتی امر ناخوشایندی برایت پیش آمد، خوب نگاه کن. اگر راه چاره‌ای برای عبور از رنج داری، حُب عاجز نشو و اقدام کن؛ یعنی اگر توانستی رنج را برطرف کنی، آن را برطرف کن. در ادامه روایت می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ حِيلَةٌ فَلَا تَجْزَعْ» (و اگر نتوانستی این وضعیت بد را برطرف کنی، و چاره‌ای دست نبود، جزع نکن!)

فاطمه زهرا (علیها السلام) با همه سختی‌ها و رنج‌هایی که داشت یک لحظه آرام ننشست و در برابر رنج‌ها کوتاه نیامد. فاطمه (علیها السلام) بن بست شکن بود. همه شهر، کمر بسته بودند به آزار و اذیت خانواده‌اش. همه کمر بسته بودند به دشمنی با امیرالمؤمنین (علیه السلام). و او یک تنه ایستاده بود.

فاطمه تنها طرفدار علی است در هجوم دشمنان یار علی است
آنکه باشد مرد این سنگر منم اولین قربانی حیدر منم

چشم پوشیدم ز جان خویشان ای مغیره هرچه می خواهی بزن
این در کاشانه، این پهلوی من این غلاف تیغ این بازوی من

هر کاری کردند دست فاطمه را کوتاه کنند نشد. عاقبت نانجیبی با غلاف
به بازوی فاطمه عَلَيْهَا زد.^۱ بی حال روی زمین افتاد. لحظاتی بعد بلند
شد صدا زد: علی را کجا بردند؟ تا فهمید علی عَلَيْهِ را بردند مسجد. چطور
خودش را به مسجد رساند؟!

خواست تا زود خودش را برساند به علی
سر این خواستن خود دو سه باری افتاد
نالهای زد که ستونهای حرم لرزیدند
به روی مسجدیان گرد و غباری افتاد
وارد مسجد شد. صدا زد: «خَلُّوا عَن ابْنِ عَمِّي»^۲ (پسرعمویم را رها کنید).

کافران دست خدا را بسته‌اید؟ بازوی مشکل‌گشا را بسته‌اید؟
رفت پشت پرده. آماده شد نفرین کند. فرمود آگه علی را رها نکنید،
گیسوانم را پریشان می‌کنم. سلمان می‌گوید: ستونهای مسجد به
لرزه درآمد.^۳ هر طور بود علی را به خانه برگرداند. اما...
وقت برگشت به خانه همه جا خونی بود

چشم یاری به قد و قامت یاری افتاد^۴

۱. شیخ عباس قمی، بیت الأحزان، ج ۱، ص ۱۳۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۴۸ - ۳۴۹.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ، ج ۳، ص ۳۳۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۷.

۴. علی اکبر لطیفیان.



• مجلس چهارم •

مانند فاطمه عليها السلام



همه زمین و زمان در مطافِ روی علی است

به این مطافِ معظم مدار زهرا علیها السلام بود

وقتی قرآن کریم می‌خواهد نمونه‌ای از انسان‌های با ایمان را به عنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن نام ببرد، دو نفر را معرفی می‌کند: یکی آسیه، همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرَعَوْنَ»^۱، «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْضَنْتَ فَرْجَهَا»^۲. جالب اینجاست که خوبی‌های این دو زن مربوط به محیط خانواده است. مسئله، مسئله خانواده است.

ارزش و اهمیت آسیه در چیست؟ ارزشش در این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، موسای کلیم‌الله را در آغوش خودش بزرگ کرد، به او ایمان آورد و کمکش کرد. مسئله درون خانواده است. آسیه برای موسی «مادری» کرد. در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «الَّتِي أَحْضَنْتَ فَرْجَهَا»^۳؛ ناموس

۱. تحریم، ۱۱.

۲. تحریم، ۱۲.

۳. همان.

خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان‌دهنده این است که در محیط زندگی حضرت مریم عواملی وجود داشته که می‌توانسته تهدیدکننده عفت و ناموس یک زن عفیف باشد و او توانسته مبارزه کند.^۱ مریم مادر عیسی و دختر عمران است: «مَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ».^۲ مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه آلوده مردم شهر و منطقه خود، مثل کوه می‌ایستد و عیسی را که خدای متعال با قدرت کامله خودش در دامن پاک او گذاشته، بزرگ می‌کند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان دهنده آن است که در میدان عظیمی که همه انسان‌ها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه انسان‌ها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آن‌ها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.^۳

مادر و خانواده

اینجا دو نکته مهم وجود داشت: اول اهمیت خانواده و دوم نقش مهم و جایگاه والای زن و مادر. که البته دومی از اولی هم مهم‌تر است. ببینید جمله‌ای رهبر معظم انقلاب دارد که می‌فرماید:

«در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند.»^۴

در خانواده هم محور زن است. این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید:

كُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ سَيِّدَةٌ فَالزَّجْلُ سَيِّدٌ أَهْلِيهِ، وَ الْمَرْأَةُ سَيِّدَةٌ بَيْتِهَا»^۵ (هر

۱. نک: بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه، ۱۳۹۰ خرداد.

۲. تحریم، ۱۲.

۳. نک: بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰ اسفند ۱۳۷۵.

۴. بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰ اسفند ۱۳۷۵.

۵. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۶۱۴.

یک از فرزندان آدم فرمانروایی است؛ مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است). به هر حال همه خانواده گرد شمع مادرند. مادر است که محور است. در خانه امیرالمؤمنین هم همین بود. فاطمه علیها السلام محور بود. شمع خانه علی علیه السلام فاطمه علیها السلام بود. شنیده‌اید داستان حدیث کساء را. حدیثی است خواندنی. همه خانواده پیامبر زیر عبا پیامبر صلی الله علیه و آله جمع می‌شوند. آنجا هم محور فاطمه است. می‌گوید: «هُم فَاطِمَةٌ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا»^۱. محور «مادر» است. «در چنین کانون مبارکی [خانواده] محور کیست؟ مادر؛ اصل کیست؟ مادر؛ مرکز دایره کیست؟ مادر. مادر، محور خانواده است.»^۲ نقش فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان یک «زن» و یک «مادر» نقشی کلیدی است. فاطمه زهرا علیها السلام نمونه یک بانوی نمونه است که می‌تواند برای ما الگو باشد. جمله‌ای هست که می‌گوید: «بینید انسان‌های موفق چه کارهایی کرده‌اند که موفق شده‌اند. شما هم همان کارها را بکنید تا به همان نتایج برسید.» این جمله همان قدر که ساده است، درست است.

مانند فاطمه علیها السلام

برای شبیه شدن به حضرت زهرا علیها السلام هم باید همان کارهایی را کرد که او انجام می‌داد، همان لذت‌هایی را برد که او می‌برد، همان سختی‌هایی را چشید که او می‌کشید و همان افق‌هایی را دید که او می‌دید. فاطمه زهرا علیها السلام که بود و چه می‌کرد؟ فاطمه علیها السلام، اول و آخر، مادر بود. مادر پدرش، مادر اهل بیت علیهم السلام، مادر امام زمانه ما. فاطمه مادر است. مادر شیعیان، مادر قدر و غدیر، مادر فدک و آب و خاک. فاطمه قدیمی‌ترین مادر هستی است.

زنی از خاک، از خورشید، از دریا، قدیمی‌تر

زنی از هاجر و آسیه و حوا قدیمی‌تر

زنی از خویشان حتی، از اَعطینا، قدیمی‌تر

زنی از نیت پیدایش دنیا، قدیمی‌تر

فاطمه علیها السلام محور است. فاطمه علیها السلام الگوست، حتی برای امام زمان. این

۱. مفاتیح الجنان، حدیث کساء.

۲. بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹.

کلام امام است که فرمود: «وَفِي آيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (دختر رسول خدا علیها السلام برای من الگویی نیکوست.) و آخر این که فاطمه، مادر است. مادر هر چیزی اصل و ریشه آن است، مانند اُمّ الکتاب (سوره حمد) و اُمّ القُرئ (مکه). شاید مراد از کُنْیة «اُمّ اَبیها» برای صدیقه طاهره علیها السلام این است که او اصل و اساس درخت نبوت است، فرزندان شاخه‌های آن درخت‌اند و شیعیان میوه‌هایش. خیلی تعبیر عجیبی است. فاطمه مادر است حتی برای پدرش! رهبر معظم انقلاب تعبیری دارد درباره فاطمه زهرا علیها السلام که شنیدنی است:

فاطمه زهرا علیها السلام یک زن اسلامی است. زنی در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر؛ اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می‌توانست پیغمبر باشد، همین زن مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند؛ ببینید این‌ها را باید فهمید... معنای خانه‌داری زن، تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این.^۱

یکی از زنانی که مصداق بارز مدیریت در خانه و فعالیت‌های بزرگ اجتماعی است، بانویی است به نام مجتهدة امین. ایشان با اینکه به مقام اجتهاد رسیده بود و اجازه نقل روایت به برخی مراجع می‌دادند؛ اما وقتی وارد خانه می‌شدند، دیگر خود را خانم خانه‌دار می‌دید، نه مجتهد خانه. خانه‌داری را تمام و کمال انجام می‌داد؛ چون ارزش و اعتبارش را می‌دانست. هرگز خود را در محیط خانه بالاتر از همسرش نمی‌دید؛ در حالی که همسرشان یک مغازه‌دار و بازاری ساده بود و سواد آن‌چنانی نداشت، و از نظر علمی قابل قیاس با ایشان نبود.^۲

بله، اسلام برای زن دو نقش اصلی و اساسی قائل است؛ یک، نقش همسری و دیگری نقش مادری. هنر زن یک هنر بزرگ و جهاد او جهادی مقدس است. او می‌تواند تأثیرات زیادی در جامعه داشته باشد و خدمات ارزنده‌ای به جامعه برساند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۲۹ اسفند ۱۳۹۵.

۳. به نقل از حجت‌الاسلام سید علیرضا تراشویون.

مادری و کارمندی؟!

متأسفانه امروز دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن خیلی روی این مسئله کار کرده است که مقام و ارزش زن را پایین بیاورد و مادر شدن و مادری کردن را بی‌ارزش جلوه بدهد. به بهانه‌های مختلف و با دوگانه‌سازی‌هایی که زن اگر بخواهد بچه داشته باشد و خانه‌داری کند و همسررداری کند می‌شود اسیر و کلفت. یا این که دوگانه‌سازی کند که یا باید مادری کنی و یا شغلی داشته باشی.

در ذهن ما جا انداخته‌اند که شغل، یعنی کار کردن برای دیگران و رسیدن به پول، درحالی‌که این حرف نوعی فریبکاری در معنای کلمات است. اشتغال یعنی مشغول شدن به یک مسئله مفیدی که درنهایت به سود و منفعتی برسی؛ پر واضح است که بزرگ کردن بچه و تربیت کردنش، یک شغل سنگین و بسیار مفید است که سود و منفعتش از ابتدای کودکی تا آخر عمر، حتی بعد از مردن، به انسان می‌رسد.

اتفاقاً انسان هوشمند از هر کاری، برای تحقق وظایف اصلی خودش استفاده می‌کند. مثلاً طبق عرف و شرع، امرار معاش خانواده وظیفه اصلی هر مردی است و قاعدتاً مردان شغلی را انتخاب می‌کنند که بتواند به این وظیفه عمل کنند؛ به همین خاطر اگر شغلی حقوق کم داشت، مردی آن را نمی‌پذیرد، چون در امرار معاش دچار مشکل می‌شود.

اما یک زن وظیفه اصلی‌اش در نگاه عرف، امرار معاش خانواده نیست، بلکه وظیفه‌اش مدیریت عاطفی خانه و رسیدگی به فرزندان است؛ پس بهتر است شغلی را برگزیند که به تحقق این وظیفه اصلی‌اش کمک کند. به عبارت دیگر، یک زن اگر فعالیت‌های اجتماعی‌اش را متناسب با نیازها و وظایف زندگی‌اش انتخاب کند، می‌تواند علاوه بر حضور در محیط اجتماع، در امر تربیت فرزند و خانه هم موفق باشد. مثلاً بانویی که رشته دانشگاهی مشاوره یا روانشناسی را انتخاب می‌کند، بعد از تحصیل می‌تواند از اندوخته‌های علمی‌اش در تربیت فرزند و همسررداری‌اش بهره‌بردار.

شغل مادر

نقش مادری چیست؟ چقدر می‌شناسیمش؟ مهمترین شغل عالم را مادران دارند؛ واقعاً «مادری» را باید شغل به حساب بیاوریم؛ بلکه آن را شریف‌ترین شغل بدانیم. این جمله مرحوم امام علیه السلام را ببینید: «مادر یک شغلی دارد که همان شغل انبیاست، این شغل بزرگ انبیا را در نظر مادرها کوچک کردند» و درجایی دیگر می‌فرماید: «شریف‌ترین شغل در عالم بزرگ کردن یک بچه است، و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد.»^۱ بدون شک بسیاری از پیشرفت‌های کشور، مدیون مادری‌های مادران انقلابی و فاطمی است.

تأثیر زنان

اینکه می‌بینیم استکبار و رژیم‌های فاسد این نقش اساسی زن و مادر را تحقیر می‌کنند، دلیلش این است که می‌خواهند به مقاصد شوم خودشان برسند. شهید مطهری رحمته الله به نقل از ویل دورانت، نویسنده معروف تاریخ تمدن، جمله‌ای می‌گوید که خیلی عجیب است:

اگر فرض کنیم، در سال ۲۰۰۰، مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم که بزرگ‌ترین حادثه ربع اول قرن بیستم چه بوده است، متوجه خواهیم شد که این حادثه، جنگ و یا انقلاب روسیه نبوده است؛ بلکه همانا دگرگونی وضع زنان بوده است... خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشویی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است گرفتار گشته‌اند. اکنون نیز که ما در ربع سوم قرن بیستم به

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۷.

۲. همان، ج ۷، ص ۴۶۴.

سر می‌بریم، ناله متفکران غربی از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانه خالی کردن جوانان از قبول مسئولیت ازدواج، از منفور شدن مادری، از کاهش علاقه پدر و مادر و بالأخص علاقه مادر نسبت به فرزندان، از ابتدال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوس‌های سطحی به جای عشق، از افزایش دائم التزاید طلاق، از زیادی سرسام‌آور فرزندان نامشروع، از نادر الوجود شدن وحدت و صمیمیت میان زوجین، بیش از پیش به گوش می‌رسد.^۱

می‌بینید که زن و خانواده چقدر در نقش مهم و اثرگذاری دارد. به همین دلیل است که همیشه دشمن برای رسیدن به اهداف شومش روی این قشر دست می‌گذارد و با شعارهای فریبنده می‌خواهد ارزش نقشش اصلی او را از بین ببرد. شعارهایی مثل آزادی را دستاویزی کرده‌اند برای فریب آن‌ها. مونا شارن، نویسنده آمریکایی در مقاله‌ای تحت عنوان «اشتباه فمینیست‌ها» می‌نویسد:

آزادی زنان برای ما افزایش درآمد آورد، سیگار ویژه زنان تولید شد، حق انتخاب برای تنها زندگی کردن به زنان داده شد، خانواده یک‌نفره تشکیل شد، «مراکز بحران تجاوز» ایجاد شد، اعتبارات فردی آورد، عشق آزاد آورد و...؛ اما در ازای آن، چیزی را به غارت برده که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو همان است. آن چیزی را که به غارت برد همسر و خانواده است؛ خانواده‌ای که اسلام به شدت روی آن حساس است و آن را زینت زندگی دنیا می‌داند.^۲

البته که هیچ‌وقت اسلام نگفته که زن نباید کار کند یا در جامعه حضور داشته نداشته باشد، نه. حرف دین و اسلام این است که زن نباید اسیر باشد. اسارتی که دستگاه‌های فاسد برای زن می‌آورند طوری است که خود

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۴.

۲. مرضیه صدیقی، نگاهی به روند جنبش زنان و موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران، کتاب نقد، ص ۶۹، شماره ۱۲.

زن متوجه‌اش نمی‌شود. اسارتی است که آن را کادوپیچ کرده‌اند و به‌عنوان استقلال زن به خورد جامعه می‌دهند.

اسلام با این مخالف است که کرامت زن نابود شود و او را به‌عنوان یک نیروی کار ارزان به‌خدمت بگیرند. اسلام مخالف این است که یک عده فرصت‌طلب و سودجو برای رسیدن به اهداف مادی و صرفه اقتصادی خود، این موجود لطیف و البته تأثیرگذار را به بیگاری بکشانند. بله! اسلام مخالف این نوع حضور زنان است؛ این حضور نه‌تنها استقلال نیست، بلکه اسارت است!^۱ ویل دورانت، فیلسوف مشهور فرانسوی، در کتاب معروفش «لذات فلسفه» این‌گونه می‌گوید:

آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است... زنان کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین‌قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن برای مردان دشوار شد؛ اما در اعلامیه‌ها از آنان می‌خواستند که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند.^۲

اثرگذار تویی!

اما در نگاه الهی جایگاه زن و مادر چگونه است؟ مادری، کجای معادله زندگی یک زن می‌تواند باشد؟ زن و رسالت‌های بی‌نظیر او در نگاه الهی و اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. اسلام برای زن دو نقش اصلی و اساسی قائل است؛ یک، نقش همسری و دیگری نقش مادری. هنر زن یک هنر بزرگ و جهاد او جهادی‌ست مقدس. او می‌تواند تأثیرات زیادی در جامعه داشته باشد و خدمات ارزنده‌ای به جامعه برساند.

شیخ انصاری یکی از مراجع تقلید حدود ۱۲۰ سال گذشته است. وقتی مادرش از دنیا رفت، شاگردانش دیدند که شیخ خیلی بی‌تابی می‌کند. یکی از شاگردانش گفت: شما مرجع تقلیدید، شاید خوب نباشد این قدر گریه می‌کنید؛ مردم می‌بینند. شایسته شما نیست با این مقام علمی،

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۷.

۲. نک: ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه زریاب، ص ۱۵۱.

برای درگذشت پیرزنی، این‌گونه اشک بریزید و بی‌تابی کنید. شیخ از شنیدن حرف این طلبه به‌هم ریخت و جواب داد: شما هنوز نفهمیدید مادر کیست و چه مقامی دارد! اگر زحمات این مادر نبود، مرتضای انصاری، شیخ‌مرتضی نمی‌شد. به‌خاطر دعا‌های مادرم، خیلی از بلاها از من دور می‌شد؛ چرا گریه نکنم؟^۱ بله، واقعاً این‌طور است که مادرها خیلی اثرگذارند. تربیت مادرها و مدیریشان در خانه و خانواده بالاترین نقشی است که می‌شود برای کسی در دنیا تصویر کرد. یکی از بزرگان اروپا گفته است: «کسانی که بند گهواره کودکان را به دست دارند از آن‌ها که زمام حکومتی را در دست دارند، مؤثرتر و بانفوذترند.»^۲

نابغه قرن

ادیسون که برق را اختراع کرد داستانی دارد شنیدنی. نقل می‌کنند زمانی که به مدرسه می‌رفت، درسش ضعیف بود و معلمش از او ناراضی بود. معلم نامه‌ای به ادیسون داد که به مادرش بدهد. مادر نامه را که خواند به ادیسون گفت: پسرم معلمت گفته: «فرزند شما نابغه و باهوش است و مدرسه ما توان آموزش به فرزندتان را به‌خاطر داشتن هوش بالا ندارد. شما باید شخصاً خودتان به او آموزش دهید.»

از آن روز به بعد ادیسون در خانه ماند و مادرش به او درس می‌داد. ادیسون در ۱۳سالگی اولین اختراع خودش را ثبت کرد. مدتی بعد از فوت مادرش، صندوقچه مادرش را باز کرد. خواست آن نامه را برای همه بخواند تا به همه ثابت کند که از کودکی نابغه بوده و معلمش اولین فردی بوده که این مسئله را فهمیده است؛ ولی با دیدن نامه، شروع به گریه کرد و تازه متوجه شد که نامه معلمش چیز دیگری بوده است! که باز کرد دید در نامه نوشته شده: «باکمال تأسف باید بگویم فرزندتان کودن است و هیچ‌گونه استعدادی برای ادامه تحصیل و درس خواندن ندارد. مدرسه ما نیز جای افراد ابله و کودن نیست. از فردا او را به مدرسه راه نمی‌دهیم.»

۱. نک: سید علی اصغر علوی، امضای کوچک، ص ۸۷.

۲. یادداشتهای شهید مطهری، ج ۵، ص ۴۵.

ادیسون تازه فهمید که چطور مادرش از یک ادیسون کودن، یک ادیسون نابغه ساخت! بعدها در خاطراتش نوشت: «توماس ادیسون، فرد کودنی که توسط یک مادر قهرمان، به نابغه قرن تبدیل شد!»^۱ این معجزه و نتیجه دست هنرمند یک مادر است؛ انسان می‌سازد؛ دانشمند و اندیشمند می‌سازد.

شما فکر می‌کنید نقش مادر شهدای ما چقدر مهم است؟ مادرانی که فرزندی تربیت کردند و در راه اسلام فدا کردند. این شوخی نیست. مادری که فرزندی تربیت کرده مانند حاج قاسم سلیمانی چقدر در عالم تأثیرگذار است؟ مادر شهید تهرانی‌مقدم، مادر شهید شهرداری در عالم تأثیرگذار نبودند؟! شاید بگویید تربیت فرزندی مثل این شهدا کار راحتی نیست؛ بله، اما با تلاش و دعای مادر شدنی است. دعای مادر در حق فرزندان پیش خدا ارزشمند است.

شهید شاهرخ ضرغام داستانی دارد خواندنی. خودش نقل می‌کند که آدم سربه‌راهی نبود ولی مادر پیرش همیشه برای عاقبت‌به‌خیری‌اش دعا می‌کرد و می‌گفت: «خدایا پسرم را ببخش، عاقبت به خیرش کن. خدایا پسرم را از سربازان امام زمان قرار بده.» دیگران به او می‌خندیدند که پسر چاقوکش تو را چه به سربازی امام زمان؟! نمی‌دانستند که:

آبروی اهل دل، از خاک پای مادر است

هر چه دارند این جماعت، از دعای مادر است

مادر شاهرخ همیشه می‌گفت: خدایا فرزندم را به تو سپردم. خدایا همه چیز به دست توست. هدایت به وسیله توست. پسرم را نجات بده. زندگی شاهرخ در غفلت و گمراهی ادامه داشت. تا اینکه دعاهای مادر پیرش اثر کرد. بهمن‌ماه سال ۵۷ این شاهرخ طوری تغییر کرده بود که مرید امام خمینی شده بود. این است مقام مادر؛ ولی ما ندیدیم حقیقت، ره افسانه زدیم! اگر مثل شهید سلیمانی به مقام مادر پی برده بودیم، مثل او کف پای مادر را می‌بوسیدیم. شهید سلیمانی که دنیا از او حساب می‌برد، بدون رضایت مادرش قدم از قدم بر نمی‌داشت.

۱. «داستان نابغه‌ساختن مادر ادیسون از فرزندش»، بیتوته، دسترسی در: <https://www.beytoote.com/fun/fiction-vocal/mother4-edison3.html> بی‌تا.

ما مسئولیم!

به هر حال اینکه خود را محدود به موقعیت فعلی مان ببینیم یا مسئول در برابر آن، بستگی دارد به باورها و جهان بینی مان. ما انتخاب می کنیم چه مقدار و چه مسئولیت هایی داشته باشیم. مادری هم مثل همسری است؛ ما خودمان انتخاب کردیم که ازدواج کنیم و در پی آن مسئولیت هایی را هم پذیرفته ایم. آنجا هم رنج و شیرینی با هم است. این مسئولیت همان طور که مزیت های زیادی برایمان دارد و به زحمات و تلاش هایی هم نیاز دارد. بله، خانه داری یکی از زحمات هایی است که بیشتر بارش را خانم ها در زندگی مشترک به دوش می کشند. اما آیا این به معنای آن است که مثلاً مرد خانواده نباید مشارکت کند؟ در زندگی مشترک باید با گفت و گو، فضای مشارکت همسری را مدیریت کنیم و پیش ببریم. تقسیم کارها یکی از راه حل هایی است که تمام وقت خانم درگیر امور منزل نشود.

سبک زندگی شهدای دفاع مقدس را که می بینیم تازه می فهمیم شهدا چقدر در کارهای خانه به همسرانشان کمک می کردند. همسر روحانی شهید عبدالله میثمی نقل می کند: عبدالله هر وقت خانه بود، در بچه داری کمک می کرد. از شستن بچه گرفته تا پهن کردن لباس هایش روی بند. خلاصه از هیچ کمکی دریغ نمی کرد. همسر شهید صیاد شیرازی نقل می کند: علی آقا وضو می گرفت و توی کارهای خانه به من کمک می کرد. مسافرت که می رفتیم، بچه ها را نگه می داشت و می گفت: بچه ها را من نگه می دارم، لااقل شما هم کمی راحت باشید. از این خاطرات در زندگی شهدا زیاد است.

دیگر اینکه می توانیم با راهکارهایی، کارها را بهینه تر انجام دهیم. مثلاً با مقداری دقت در استفاده از ظروف می توانیم تعداد ظروف مصرف شده در هر وعده غذایی را مقداری کمتر کنیم؛ با شستن آن ها بلافاصله پس از صرف غذا، زمان شست و شو را کاهش دهیم؛ با نوبتی کردن شستن ظرف ها بین والدین و فرزندان بالای هفت سال، بعضی وعده های سبک را واگذار کنیم. مدیریت امور منزل یک مهارت است که با مقداری آموزش و فکر و برنامه ریزی و نظم، سبک تر و راحت تر انجام می شود. این همان مدیریت زن در خانه است.

البته آقایان در ایجاد فضای مناسب برای مدیریت زن در خانه نقشی

جدی دارند. اگر مرد فضای خانه را به سمتی هدایت کند که اهل خانواده مقام و جایگاه مادرشان را حفظ کند، قطعاً انگیزهٔ زن برای پرداختن به شغل مقدس مادری هم بیشتر می‌شود. متأسفانه ما با سهل‌انگاری یا مادر و نقش او را در خانه نمی‌بینیم، یا با غر زدن و سرکوفت، مادر را به یک موجود کم‌ارزش و خدمتگزار تبدیل می‌کنیم. گاهی با رفتارهایمان کاری می‌کنیم که بچه‌ها از مادر خودشان اصلاً حساب نمی‌برند. بله، مرد باید در محیط خانه طوری رفتار کند که همه بدانند مادر جایگاه رفیع و بلندی دارد. همچنین مرد نباید اگر اشتباهی از همسرش دید، جلوی بچه‌ها آن اشتباه را تذکر دهد. بگذارید یک اصل مهم تربیتی بگویم. فرض کنید فرزندان اشتباهی مرتکب شده‌اند و یکی از والدین بر سر آن‌ها فریاد می‌کشد یا آن‌ها را طوری توبیخ می‌کند که نباید. در این موارد مرد یا زن نباید به‌خاطر رفتار غیرتربیتی همسرش، جلوی بچه‌ها آن رفتار غلط را تذکر دهد و از بچه دفاع کند. بلکه باید سکوت کند و در خلوت به همسرش بگوید فلان تنبیه و رفتاری که با فرزندمان کردی اصولی و تربیتی نبود. دلیلش هم این است که اگر جلوی بچه‌ها اشتباهات همسرمان را بیان کردیم، دیگر حرف او برای بچه‌ها ارزش نخواهد داشت. یکی دیگر از رفتارها، که به مدیریت مادر در خانه کمک می‌کند، تلاش برای روی زمین نماندن حرف مادر است. چنانچه مادر چیزی از بچه‌ها خواست، پدر باید بچه‌ها را تشویق کند به انجام دستور مادر. این‌ها ارزش جایگاه مادری را در خانه افزایش می‌دهد و به لذت‌بخش شدن مدیریت مادرانهٔ زنان در خانواده کمک می‌کند.

مدیریت زن در خانه

مادری یعنی مدیریت؛ مدیریت زن در خانه و خانواده بر عهدهٔ زن است. مجموعهٔ افراد خانواده تحت تأثیر مادر است. مادر است که دارد دیگران را مدیریت می‌کند. پس یک مادر موفق، یک مدیر موفق است. هرکس بخواهد مجموعه‌ای از افراد را مدیریت کند، شرط اولش این است که بر خودش مسلط باشد. مادری که می‌خواهد مدیر خانه شود، اول باید بتواند خودش را مدیریت کند. اگر فاطمهٔ زهرا علیها السلام

مادری موفق است و اثرگذار است، دلیلش این است که توانسته بود بر خودش مسلط باشد. این راه و رسم مدیریت را هم از پدرش یعنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داشت. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «یا فاطمه اغملى بنفسك» (دخترکم! خودت برای خودت عمل کن) «اننى لا اغنى عنك شيئاً» من به درد تو نمی‌خورم، از انتسابت با من کاری ساخته نیست. تعلیمات مرا بپذیر و دستورات مرا عمل کن، مگو پدرم پیغمبر است. پدرم پیغمبر است، به دردت نمی‌خورد، به دستور پدرت عمل کردن به دردت می‌خورد. پس مدیریت زن در خانه مهم است. مادر برای اینکه در مدیریتش موفق باشد به دو چیز نیاز دارد: یکی دانش مدیریت خانه و دوم به کار بستن همان دانش.

مهارت‌های زندگی

بسیاری از این مهارت‌ها را می‌توان با کلاس رفتن یا مطالعه کتب کارشناسان تربیت یا استفاده از فایل‌های صوتی و تصویری این کارشناسان یا پی‌گیری برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی آموزش دید. این‌که زنی در بیرون از خانه کار کند و به همین بهانه‌های درسی و کاری ازدواج نکند یا بچه نیاورد اسمش می‌شود، موفقیت و پیشرفت؛ اسمش می‌شود فعالیت اجتماعی زنان؛ ولی اگر محیط خانه را مدیریت کند و چند تا بچه را تربیت کند، نامش بیکاری است و پسرفت محسوب می‌شود.

بعضی‌ها هم فکر می‌کنند اگر بچه بیاورند جلوی پیشرفت و رشدشان را می‌گیرد. فکر می‌کنند اگر قرار باشد بچه‌ها زیاد بشوند، دیگر به هیچ چیزی نمی‌رسند. بله، قطعاً هر فرزند سهمی از زندگی ما را می‌گیرد؛ اما اینکه سهمش چقدر باید باشد، جای بررسی دارد. ما زمانمان را جداجدا در اختیار فرزندانمان قرار نمی‌دهیم؛ بلکه در کنار کارهای روزمره، با فرزندان و دیگران هم ارتباط داریم، می‌گوییم و می‌شنویم و می‌خوانیم و امور منزل را رتق و فتق می‌کنیم. زمان رسیدگی به فرزندان با دیگر فعالیت‌های روزمره هم‌پوشانی دارد. کلاس خصوصی که نیست! زمان لازم برای رسیدن به دو فرزند، دو برابر زمانی نیست که باید برای یک فرزند صرف کنیم.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (احیای تفکر اسلامی)، ج ۲۵، ص ۴۴۴.

تدبیر کن!

نکته بعد اینکه بچه‌ها که زیاد بشوند، زمان کمتری از ما می‌گیرند؛ چون فرزندان خودشان کمک‌حال ما در رسیدگی به امور منزل می‌شوند و فرزندان بزرگ‌تر به فرزندان کوچک‌تر کمک می‌کنند. البته این کار همان مدیریت زن در خانه را می‌طلبد. خانواده‌های پرجمعیت خودمان در گذشته را ببینیم. بیست‌سی سال قبل، این‌قدر امکانات رفاهی مانند ماشین لباس‌شویی و خودروی شخصی و... بود؟ تعداد فرزندان بیشتر نبود؟ برای همه چیز نباید در صف می‌ایستادیم و کوپنی کالاها را اساسی‌مان را تهیه می‌کردیم؟! نسبت به آن زمان، الآن بیشتر در رفاهیم؛ اما باز هم وقت کم می‌آوریم. خانواده‌ها کوچک‌تر شده است و کارهای یدی به دستگاه‌هایی مثل جاروبرقی و غذاساز سپرده می‌شود. چرا امروز این‌قدر وقت کم می‌آوریم؟ شاید سبک زندگی‌مان در گذشته نسبت به الآن بهتر بود؟ در گذشته روزی چند ساعت پای تلفن بودیم؟ چقدر در شبکه‌های مجازی بودیم؟ چقدر پای تلویزیون و قهقهه تلف می‌شد؟ اگر به زندگی خود نگاه از بالا بیندازیم و قطعات پازل زندگی‌مان را سر جای‌شان بگذاریم و دست سارق‌های زمان را از زندگی‌مان کوتاه کنیم و هدفمند و با برنامه باشیم، مطمئناً ساعت‌ها وقت برای رسیدن به خودمان و رشدمان اضافه می‌آوریم.

تقسیم کار

اگر آن فاطمه زهرا علیها السلام در مدیریت منزل، موفق بود، نباید از همراهی‌ها و توجهات امیرالمؤمنین علیه السلام غافل بود. از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «علی و فاطمه علیهما السلام تقسیم کارهای زندگی مشترک خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واگذار کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم کارهای داخل خانه را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون خانه را به علی علیه السلام سپردند؛ در این هنگام فاطمه علیها السلام فرمود: کسی جز خدا نمی‌داند که تا چه اندازه خوشحال شدم از اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا از انجام دادن کارهای مردانه معاف کرد.»

۱. «عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام قال: تقاضى عليٌّ و فاطمةٌ إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم في الخدمة ففضى عليٌّ فاطمةَ علیها السلام بخدمتها ما دون الباب و قضی

ببینید با اینکه حضرت زهرا علیها السلام دختر رهبر جامعه است و جایگاه اجتماعی بالایی دارد، پدرش بهترین شغل را برای او، مادری می‌داند؛ خانه‌داری می‌داند، نه کارهای بیرون از منزل. نظر خود زهرای مرضیه هم همین است؛ زیرا می‌فرماید از این تقسیم، خیلی خوشحال شدم. این سیاست، راه را برای مادرشدن و مادری کردن در حق بچه‌ها، خیلی هموار می‌کند.

از آن طرف نیز شوهر گرامی‌اش در کارهای خانه کمک‌کارش بود و این هم باعث می‌شد مقداری از بارها از دوش مادر برداشته شود تا او راحت‌تر به اداره امور خانه بپردازد. شاید این روایت برای بسیاری از ما غافل‌گیرکننده باشد که امام صادق علیه السلام فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام هیزم و آب می‌آورد و جارو می‌کرد. فاطمه علیها السلام نیز آسیاب می‌کرد و خمیر درست کرده و نان می‌پخت.»^۱ بوی نان فاطمه علیها السلام همیشه در خانه می‌پیچید. اما از وقتی فاطمه علیها السلام بستری شد خبری از نان تازه و کارهای فاطمه علیها السلام در خانه نبود. روز آخر، حضرت فاطمه علیها السلام از بستر بلند شد. شروع کرد به انجام کارهای خانه، شستن لباس‌ها. بچه‌ها خوشحال شدند. الحمدلله مادر از بستر بلند شد. بچه‌ها را شست و شو داد. صدا زد:

شنیدم بسترت را جمع کردی و با سختی پرت را جمع کردی
شنیدم آب دادی به حسینم حواس دخترت را جمع کردی

عَلَىٰ عَلِيٍّ عليه السلام بِمَا خَلَّفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَغْلَمُ مَا دَخَلَنِي مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَكْفَأُنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم تَحْمَلُ أَرْقَابَ الرِّجَالِ. (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۷۲).

۱. «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَخْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْتُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَ تَعْجَنُ وَ تَخْبُزُ.» (محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، باب عمل الرجل في بيته، ص ۸۶).



• مجلس پنجم •

عبادت‌های
خانوادگی





از خانه تو نور به افلاک می رود جان ابوتراب سوی خاک می رود

ما معمولاً وقتی از عبادت و راه‌های رسیدن به خدا صحبت می‌کنیم ذهنمان می‌رود سمت نماز و روزه و یک‌سری اعمال عبادی خاص. خیلی از ما فکر می‌کنیم که برای سیروسلوک نیاز به نسخه‌های ویژهٔ فلان عارف و ذکرهای مخصوصی است که تنها راه رسیدن به معنویت است. این برداشت از دین و معنویت، موجب شده بعضی از مردم، نسبت به دین سوءبرداشت‌هایی داشته باشند.

بعضی‌ها هم از آن طرف بام افتاده‌اند و عبادت را در هر چیزی غیر از نماز و روزه می‌دانند. برایش شعر هم گفته‌اند که: «نماز زیاده خواندن، کار پیرزنان است و روزه فزون داشتن، صرفهٔ نان است و حج نمودن، تماشای جهان است. اما نان دادن، کار مردان است»^۱ یا اینکه «عبادت به جز خدمت خلق نیست»^۲.

۱. خواجه عبدالله انصاری.

۲. سعدی شیرازی.

بله، خدمت به خلق، عبادتی است که خیلی هم به آن سفارش شده‌ایم اما این انحصار را از کجا آورده‌اید؟ و این همان افراط و تفریطی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را از نشانه‌های جهالت معرفی کرده است.^۱

عبادت چیست؟

عبادت خدا، هر عملی است که در آن رضایت خدا در نظر گرفته شود. عبادت خدا، هر گفته‌ای، هر نوشته‌ای و هر خواسته‌ای است که به نیت خدا انجام شود. گوهر عبادت‌ها یکی است و آن با خدا و برای خدا بودن است؛ ولی جلوه کردن آن عبادت و معنویت به گونه‌های مختلفی بوده و در زمینه‌های متفاوتی خودنمایی می‌کند. عده‌ای وقت گذاشتن در خانه برای همسر و فرزند را از ضرورت‌ها و ناچاری‌های زندگی اجتماعی می‌دانند؛ بعضی‌ها هم این‌طور فکر می‌کنند که داشتن فرزند همه‌اش مشکل است و بدبختی و اصلاً چه لزومی دارد آدم این‌همه سختی را تحمل کند. بدترش این است که بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر بخواهند به معنویت برسند، بچه‌ها مانع‌اند و فکر می‌کنند معنای فتنه بودن بچه‌ها این است که این‌ها نمی‌گذارند ما انسانی معنوی باشیم و استدلال هم می‌آورند که از وقتی بچه آمده ما از زندگی افتاده‌ایم و دیگر نه خبری از هیئت و مسجد است و نه خبری از زیارت مشهد و کربلا.

فتنه‌های زندگی

این تفکر هم، برای امروز و دیروز نیست. در زمان ائمه (علیهم السلام) هم کسانی مثل حسن بصری همین حرف‌ها را می‌زدند. این سخنش در شهر پیچیده بود که می‌گفت: فرزند نیاورید، فرزند موجب گرفتاری است؛ اگر بماند تربیت کردن یا نگهداری‌اش یک بلایی است و اگر برود غمش دل آدم را می‌گیرد که این هم یک بلایی است و او شما را از خداپرستی باز می‌دارد.^۲

۱. «لا تری الجاهل إلا مفراطاً أو مفراطاً؛ نادان را جز افراط‌کار یا تفریط‌کار نبینی»

(محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیة / ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۹۷).

۲. «عن الحسن البصری أنه قال بُسُّ الشَّيءِ الوَلَدُ إنَّ عَاشَ كَذَّبَ و إنَّ مَاتَ مَذْبَى فَبَلَغَ ذَلِكَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (علیه السلام) فَقَالَ كَذَّبَ وَ اللَّهُ نِعْمَ الشَّيءِ الوَلَدُ إنَّ عَاشَ فَدَعَاءُ خَاصِرٍ وَ إنَّ مَاتَ فَشَفِيعٌ سَابِقٌ» (سعیدبن‌هبل‌الله قطب‌الدین راوندی، دعوات راوندی، ص ۲۸۵).

این حرف برای یک آدم معمولی هم نبود. این حرف حسن بصری بود که مردم او را به‌عنوان فقیه و مفسر و واعظ قبولش داشتند. کسی که چنان غرق عبادت بود و دنیا را سه‌طلاقه کرده بود. کسی جرئت نمی‌کرد مقابل او حرفی از دنیا و امور دنیایی بزند.^۱ کسی که خیلی از مردم فکر می‌کردند اگر یک آدم دین‌دار در شهر باشد، حسن بصری است. حالا شما تصور کنید چنین شخصیتی حرفش بین مردم پیچیده است.

عده‌ای از مردم رسیدند خدمت امام زین‌العابدین (علیه السلام) و پرسیدند: «یابن‌رسول‌الله، آیا این حرف حسن بصری درست است که بچه‌ها مانع معنویت و خداپرستی ماست؟ حضرت فرمودند: «حسن بصری اشتباه کرده! فرزند بیاورید، اگر از دنیا رفت در آن دنیا برای شما یک شفیع است و اگر اینجا بود یک دعاکننده‌ای برای شما است.»^۲

این فهم غلط از دین و معنویت و عبادت تا کجا ادامه پیدا می‌کند! کسی که فقیه و مفسر است راهی پیش می‌گیرد که خلاف مرام و مسلک و سیره دین است. به هر حال این یک نوع نگاه است که بچه‌ها را مانع رشد معنوی می‌دانند.

مانند فاطمه (علیها السلام)

در مقابل این نوع نگاه، عده‌ای هستند که زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را الگوی خودشان قرار داده‌اند و می‌خواهند مانند فاطمه (علیها السلام) و علی (علیه السلام) باشند و مثل آن‌ها زندگی کنند. اگر عبادتی هم می‌کنند، چشمشان به رفتارهای اهل بیت (علیهم السلام) پیامبر خداست.

این‌ها معتقدند راه رسیدن به آخرت از همین زندگی معمولی می‌گذرد. کجا علی (علیه السلام) برای رسیدن به آخرت دنیایش را رها کرد؟! کجا فاطمه (علیها السلام) فرزندان‌ش را مانع رسیدن به معنویت می‌دانست؟! اتفاقاً فاطمه (علیها السلام) نشان

۱. «كُنَّا إِذَا أَتَيْنَا الْخَسَنَ، لَأَسْأَلُ عَنْ خَيْرٍ وَ لَأَنْخِيزُ بِشَيْءٍ وَ إِنَّمَا كَانَ فِي أَمْرِ الْآخِرَةِ» (ابن‌سعد کاتب واقدی، طبقات‌الکبری، ج ۷، ص ۱۲۳).

۲. «عَنِ الْخَسَنِ الْبَصْرِيِّ أَنَّهُ قَالَ بَشُ السُّنِيِّ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ كَذَّبِي وَ إِنْ مَاتَ مَدَّنِي فَبَلَغَ ذَلِكَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ؟ فَقَالَ كَذَّبَ وَ اللَّهُ نِعَمَ السُّنِيِّ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ فَدَعَاءُ خَاضِرٍ وَ إِنْ مَاتَ فَشَفِيعُ سَابِقٍ» (قطب‌الدین راوندی، دعوات راوندی، ص ۲۸۵).

داد می‌توان در خانه و با عبادت‌های خانوادگی رشد معنوی کرد و به بالاترین درجات رسید. فاطمه علیها السلام نشان داد، داشتن فرزندی صالح و تلاش برای رشد و تربیتشان برای زن عبادتی است که اثری ماندگار دارد.

از خانه تا بهشت

وقتی نگاهت به خانه و خانواده این شد، دیگر کارهای خانه برایت پلی است به بهشت. مادری را در ظرف شستن و لباس دوختن و غذا پختن نمی‌بینی. مادری می‌شود بزرگ‌ترین عملی که تو را رشد می‌دهد. پدر و مادر می‌شوند محور رشد؛ هم برای خودشان هم برای اهل خانه. بندگی و راه درست سیروسلوک از دل زندگی‌هایمان می‌گذرد.

ما برای عبادت دنبال جایی می‌گردیم که بتوانیم اعمال و مناسکی انجام بدهیم و با انجام آن اعمال عبادی خاص، خودمان را به خدا نزدیک کنیم. کافی است باور کنیم که محراب عبادت فقط مسجد و دیر و صومعه نیست. خانه هم عبادتگاه است؛ عبادتگاهی که در دسترس همه ماست. باید باور کنیم راهی را که شهدا یک‌شبه طی کردند، می‌شود با جهاد در خانه هم طی کرد. راهی که فاطمه زهرا علیها السلام پرچم‌دارش است و مادران دنباله‌روی آنند.

آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام راه‌هایی را برای طی این مسیر عبادی، پیش‌روی ما گذاشته است که انسان فکرش را هم نمی‌کند. مثلاً خداوند در قرآن کریم احسان به پدر و مادر را در کنار عبادت خودش قرار داده است.^۱ یا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگاه از روی محبت به پدر و مادر را عبادت معرفی می‌کند.^۲

۱. «لا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره، ۸۳)، «وَ اغْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء، ۳۶)، «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام، آیه ۱۵۱)، «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء، ۲۳)، «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» (نعمان، ۱۴، ۱۳)
۲. «يا غلی، نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى الْوَالِدِيهِ خُبْرًا لَّهُمَا عِبَادَةٌ» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۹).

مناسک عبادتگاه خانه

زندگی اهل بیت علیهم‌السلام و شیوه زندگی آن‌ها پر است از این عبادت‌هایی که ما اسمش را عبادت نمی‌گذاریم. محبت به پدر و مادر، محبت به فرزند، رفت‌وآمدهای با ارحام، دست‌کشیدن بر سر فرزندان و محبت به دختران، نشستن کنار همسر و هم‌صحبتی با آن‌ها، کار در خانه و خدمت به همسر در کارهای خانه. ما چقدر این کارها را عبادت می‌دانیم و چقدر برای سیروسلوکمان به این کارها مشغول می‌شویم؟ زندگی فاطمه زهرا علیها‌السلام پُر بود از عبادت‌هایی که در عبادتگاه خانه‌اش انجام می‌داد. فاطمه علیها‌السلام اهل نماز و روزه و صدقه و حج بود؛ اما همه سلوکش را این عبادت‌ها شکل نمی‌داد. فاطمه عابد بود. عابدی که محل عبادتش خانه بود و عبادتش عبادتی خانوادگی. بله، خانه عبادتگاه است و اعمال عبادی مخصوص خود را دارد. هم مرد و هم زن می‌توانند در این عبادتگاه رشد کنند و به بالاترین درجات معنویت برسند.

هم‌سنگِ عبادت

اجازه بدهید قبل از هر سخن دیگری، حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بگویم. در این حدیث نورانی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جملاتی را بیان کرده‌اند که اُفق تازه‌ای را در سیر و سلوکمان نشان می‌دهد. عبادت چیست؟ ما چه فکر می‌کنیم و دین چه می‌گوید؟ بندگی خدا چگونه به دست می‌آید و واقعاً این‌طور است که برای بندگی باید از زندگی گذشت؟ با این حدیث خیلی از کارهایی که ما برای خودمان کسر شأن می‌دانیم و معمولاً حسابش نمی‌کنیم هم‌رتبه حج و نماز شب و بالاتر از همه، هم‌سنگِ شهادت قرار می‌گیرد. خوش به حال کسانی که مصداق این حدیث‌اند و طوبیاً برای کسانی که می‌کوشند مصداقش باشند.

روزی فاطمه زهرا علیها‌السلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خانه نشسته بودند. علی علیه‌السلام مشغول پاک کردن عدس بود که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شد. تا این صحنه را دید، علی علیه‌السلام را مخاطب خودش قرار داد و جملات عجیبی فرمود. «یا علی، مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ

شَغْرَةَ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةً سَنَةً- صِيَامٍ نَهَازَهَا وَ قِيَامٍ لَيْلُهَا وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَ دَاوُدَ النَّبِيَّ وَ يَعْقُوبَ وَ عِيسَى» (هیچ مردی در خانه به همسرش کمک نمی‌کند، مگر اینکه خدا ثواب یک سال عبادت به او می‌دهد؛ عبادت سالی که روزهایش را روزه باشد و شب‌ها به قیام و نماز ایستاده باشد. خدا ثواب صابران و ثواب یعقوب و داود و عیسی علیهم‌السلام را به او عطا خواهد کرد).

ببینید، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کمک به همسر در خانه را هم‌سنگ عبادت یک سال قرار می‌دهد! آن هم نه یک سال عبادت معمولی؛ عبادتی که در آن بدنت را در رنج و سختی انداخته باشی و گرسنگی روزها و بیداری شب‌ها را برایش تحمل کرده باشی. باز به این هم بسنده نمی‌کند و ثوابی را که به پیامبرانش می‌دهد برای چنین مردی قرار داده است! ثواب یعقوب و داود و عیسی علیهم‌السلام.

ما چه فکر می‌کنیم و عبادت را در چه چیزهایی می‌دانیم و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عبادت را در چه می‌بیند. واقعاً بعد از خواندن این حدیث باید کمی تأمل کنیم که چقدر ساده می‌شود بندگی کرد. بندگی و زندگی به هم گره‌خورده‌اند.

هم‌نام شهادت

تازه این همه حدیث نبود! حدیث مفصلی است و هر چه جلوتر می‌رود دهان تعجب آدم بیشتر باز می‌ماند که این‌همه ثواب و منزلت برای کسی که در خانه به خانواده‌اش کمک می‌کند! واقعاً بندگی همین بود؟! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ادامه می‌دهد: «يَا عَلِيُّ، مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي النَّيْتِ وَ لَمْ يَأْتَفْ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الشُّهَدَاءِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ ثَوَابَ حَجَّةٍ وَ غَمْرَةٍ- وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ عِزْقٍ فِي جَسَدِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ» (یا علی، کسی که در خانه، در خدمت همسرش باشد و این کارش را هم ننگ نداند، خدا اسمش را میان نام شهدا می‌نویسد و به‌ازای هر روز و شبش ثواب هزار شهید را محاسبه می‌کند و برای هر قدمی که بر می‌دارد ثواب یک حج و عمره می‌نویسد و به هر رگی که در بدن اوست، در بهشت، شهری به او می‌بخشد).

چه مقامی و چه منزلتی است برای مردانی که چنین‌اند! شهادت که آرزوی مردان خداست و ثوابش نصیب هرکسی نمی‌شود را اینجا هزارهزار می‌دهند. بهشتی که برای ذره‌ذره‌اش باید شب‌وروز تلاش کنی را اینجا شهر به شهر می‌بخشند. چه عبادتگاهی است خانه و چه اعمال مقرب‌کننده‌ای دارد! باین‌همه موقعیت عبادت چه می‌کنیم و چه باید کنیم؟

ساعتی بهتر از...

حدیث عجیبی است! ادامه حدیث عجیب‌تر هم می‌شود: «يَا عَلِيُّ، سَاعَةٌ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ أَلْفِ حَجٍّ وَ أَلْفِ غُمْرَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ عَثَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ أَلْفِ غُرُورَةٍ وَ أَلْفِ عِبَادَةِ مَرِيضٍ وَ أَلْفِ جُمُعَةٍ وَ أَلْفِ جَنَازَةٍ وَ أَلْفِ جَائِعٍ يُشْبِعُهُمْ وَ أَلْفِ عَارٍ يَكْسُوهُمْ وَ أَلْفِ فَرَسٍ يُوجِّهُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ دِينَارٍ يَتَصَدَّقُ عَلَى الْمَسَاكِينِ» (یا علی، یک ساعت خدمت کردن در خانه، از عبادت هزارساله و هزار حج و هزار عمره بهتر است. خدمت کردن به عیال از آزاد کردن هزار بنده و هزار جهاد و عبادت هزار بیمار و شرکت در هزار نماز جمعه و شرکت در هزار تشییع جنازه و سیر کردن هزار گرسنه و پوشاندن هزار برهنه و گرفتن هزار اسیر در راه خدا بهتر است. ثواب خدمت کردن به خانواده از هزار دینار صدقه دادن به درویشان بهتر است.)

«يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالِ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهَ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^۱ (یا علی، جز صديق یا شهيد یا مردی که می‌خواهد خدا خیر دنیا و آخرت را به عنایت کند به همسرش خدمت نمی‌کند). بله، باور کردنش سخت است. برای ما که تا به حال بندگی و عبادت را در زندگی ندیده بودیم باورنکردنی است. کجا می‌توانیم راهی نزدیک‌تر و شیرین‌تر از این پیدا کنیم؟ در کدام مسجد و محرابی می‌شود این‌قدر به خدا نزدیک شد؟

در روایت آمده است که: «يَعِذْبُهُ لَمْ إِلَيْهِ اللَّهُ نَظَرَ مَنْ وَ إِلَيْهَا جَلَّ وَ عَزَّ اللَّهُ نَظَرَ صَلَاحاً تُرِيدُ مَوْضِعَ إِلَيَّ مَوْضِعٍ مِنْ شَيْئاً زَوْجَهَا بَيْتٍ

۱. محمدبن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۲.

مِنْ رَفَعَتْ امْرَأَهُ أَيُّمًا»^۱ (هر زنی که در خانه شوهرش چیزی را از جایی به جای دیگری بگذارد، به قصد اصلاح امور خانه، خداوند به او نظر می‌کند و کسی که خدا به او نظر کند عذاب نمی‌شود.) وقتی یک جابه‌جایی کوچک چنین پاداش بزرگی دارد، خوشا به حال آنان که به خاطر اصلاح امور خانه و برای رضای خداوند در خانه کار می‌کنند. این‌ها عبادت‌هایی است که در خانواده انجام می‌شود و درصد معنویتی که می‌شود از این عبادت‌ها به دست آورد خیلی زیاد است؛ اما متأسفانه ما هیچ توجهی به این محراب بندگی نکردیم.

بندگی و زندگی

عبادت‌های خانوادگی، عبادت‌هایی است که می‌تواند ما را به بالاترین درجه از رشد و معنویت برساند. نمونه این روایت نورانی در زمینه عبادت‌های خانوادگی را هم زیاد داریم. روایاتی که نشان می‌دهد اگر مردی غذا در دهان فرزندش بگذارد خدا چه ثوابی به او می‌دهد یا روایاتی که ثواب نشستن مرد در کنار خانواده‌اش را توصیف می‌کند.^۲ این‌ها یک بُعد عبادت‌های خانوادگی است. بُعد دیگرش عبادت‌هایی است که یک خانواده با هم انجام می‌دهند. عبادت‌هایی مثل روضه‌های خانگی. نمونه‌اش حدیث کساء است. خانواده پیغمبر ﷺ دور هم جمع می‌شوند و خدا به برکت دورهم‌نشستن این خانواده چه برکاتی را نازل می‌کند. نمونه دیگرش در سوره هل اتی آمده است که خانواده فاطمی سه روز غذای خود را به فقیر و مسکین و اسیر می‌دهند. این عبادت‌های خانوادگی زن و مرد و بزرگ و کوچک هم ندارد. همه می‌توانند با انجام اعمالی در خانه این معنویت را از آن خود کنند. مردی که در خانه خدمت کند یک‌جور ثواب می‌برد و رشد می‌کند. زنی هم که شوهرداری می‌کند و فرزندان علیوی و فاطمی می‌آورد و تربیتشان می‌کند طور دیگری؛ اما همه دارند در این سیروسلوک رشد می‌کنند.

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۴۱۱.

۲. «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ تَعَالَى مِنَ اغْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» (محمد محمدی‌ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۰۱).

جهاد زنان

خیلی از زن‌ها فکر می‌کنند کارهایشان در خانه ارزشی ندارد و صرفاً مسئولیتی است که زحمتشان را زیاد کرده است. فکر می‌کنند اگر مرد بودند، می‌توانستند بیشتر و بهتر رشد کنند و با تلاش و کوشش در عرصه‌های اجتماعی موقعیت و معنویتی را برای خودشان بسازند.

این حرف‌ها برای امروز و دیروز هم نیست. زمان خود پیامبر ﷺ هم بودند زنانی که چنین فکری داشتند. فکر می‌کردند اگر مرد بودند می‌توانستند جهاد کنند و موقعیت و معنویتی به دست بیاورند.

یکی از همین زن‌ها روزی از پیامبر ﷺ سؤال کرد: ای رسول خدا ﷺ بهره‌ما زن‌ها از جهاد چیست؟ آیا این همه ثواب و معنویتی که برای جهاد در راه خداست فقط برای مردهاست و ما از آن‌ها بی‌بهره‌ایم؟ این سؤال به شکل‌های مختلفی در ذهن خیلی از زن‌های ما وجود دارد. فکر می‌کنند مردها برای معنویت و رشد دنیایی و آخرتی هزار راه پیش رویشان است که برای ما زن‌ها نیست.

سؤال این زن در لحظاتی بود که پیامبر ﷺ داشتند درباره‌ی فضیلت و ثواب‌های جهاد صحبت می‌کردند. اینجا بود که این زن به سخن آمد که ای رسول خدا ﷺ پس ما از این ثواب‌ها محرومیم؟ پیامبر ﷺ هم در جواب فرمود: «لِلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَنْفِهَا إِلَىٰ وَضْعِهَا إِلَىٰ فَطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمُرْأَبِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ شما هم جهادی دارید؛ برای زنان هم ثوابی است مانند ثواب مجاهدان در راه خدا که از اول بارداری تا آخر شیردهی ادامه دارد.^۱ این یعنی جهاد زنان همین فرزندآوری است و فرزندپروری. در حدیث دیگری آمده است: «زنی از پیامبر ﷺ سؤال کرد: چرا زنان از جهاد معاف شده‌اند؟ پیامبر ﷺ در جوابش فرمود جهاد زن از جنس دیگری است. خوب شوهرداری زن جهاد اوست.»^۲

اعتبار مجاهدان

وقتی مردی جهاد می‌کند و از میدان جهاد با آن همه سختی برمی‌گردد چه برخوردی با او می‌شود؟ همه تحویلش می‌گیرند و مبارکباد

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۱.

۲. «جهاد المرأة حسن التبعل» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹).

و خدقوتی نثارش می‌کنند. عزت و احترامی پیدا می‌کند و جایگاه و اعتباری. همه‌وهمه به‌خاطر این‌که در راه خدا جهاد کرده و رنجی را تحمل کرده است. این یک جهاد است، جهاد زن‌ها هم یک جهاد است. شما و انصافتان! چقدر به زنی که مادر شده است و مادری می‌کند چنین دیدی داشته‌اید؟ چقدر در نگاهتان این کارش ارزشمند بوده؟ واقعیت این است که چشم‌ها را باید شست و طور دیگری باید دید. با این نگاه، مفاهیم دینی رنگ عوض می‌کنند.

وزن اعمال در نگاه ما چقدر است؟ در نگاه خدا و پیامبرش ﷺ چقدر؟ خیلی از کارها برای ما ارزشی ندارد، در حالی که در نگاه خدا و پیامبرش ﷺ بسیار ارزشمند است. این نگاه به زن را کجا می‌توانید پیدا کنید؟ اگر این دید وارد زندگی‌های ما شود، خیلی از مسائل و مشکلات از بین می‌رود. مرد احساس می‌کند زن است دیگر. باید بچه‌دار شود و بچه را بزرگ کند و اصلاً وظیفه‌ای غیر از این ندارد. با این حرف‌ها مسئولیت را از دوش خودش برمی‌دارد و مادر را در این جهاد تنها می‌گذارد. مردی که جهاد می‌کند زن پشتیبانی‌اش می‌کند و کمک‌حال اوست. پس چرا وقتی نوبت جهاد زن است مرد هیچ مسئولیتی نمی‌پذیرد؟!

ارزش مادری

متأسفانه بعضی از مردها و زن‌های ما فکر می‌کنند اگر به بچه‌هایشان برسند و وقتشان را برای سروکله‌زدن با بچه‌ها صرف کنند، از رشد و پیشرفت و معنویت عقب می‌مانند! این خیلی آسیب بزرگی است که مذهبی‌ها بخواهند به بهانهٔ سیروسلوک و معنویت از خانوادهٔ خودشان بزنند و بروند به اعمال دیگری مشغول شوند.

به این ارزش و این جایگاه مادران در خانواده باید دقت کرد. متأسفانه گاهی ما نمی‌دانیم چه کاری داریم انجام می‌دهیم و ارزشش را نمی‌دانیم. زن‌ها در این قصه جلوترند. خیلی از زن‌ها نمی‌دانند با مادر شدن و مادری‌هایشان برای خانواده چه مقامی دارند نزد خدا. نمی‌دانند کارهایی که در خانه انجام می‌دهند و همین غذارست

کردن و تروخشک کردن بچه‌ها و کارهای خانه از هزار تا عمل عبادی هم بیشتر معنویت می‌آورد. نه تنها خود زن این را نمی‌داند و اصلاً فکرش را هم نمی‌کند، مرد هم اصلاً با این دید به مادر خانواده نگاه نمی‌کند. اگر زن‌ها می‌دانستند که با همین کارهای خانه چقدر معنویت به دست می‌آورند از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدند. این حرف‌ها وظیفهٔ مردها را هم بیشتر می‌کند. ما وظیفه داریم این مقام الهی را پاسداری کنیم و به آن احترام بگذاریم.

متأسفانه بعضی از مردان خیال می‌کنند زن وظیفه دارد همهٔ کارهای مربوط به آن‌ها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این طور عمل کند که گویا وظیفهٔ زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد.^۱

ببینید که امیرمؤمنان (علیه السلام) چه می‌فرماید: «المرأة زبْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۲ قهرمان، یعنی همین کار پرداز امروزی زندگی. این زن، کار پرداز شما نیست که همهٔ کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما. حتی اگر دانشمند یا سیاست‌مدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است.^۳ در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است.

دختر شهید صیاد شیرازی نقل می‌کند: پدرم رفتارش با مادرمان بسیار با محبت و همراه با احترام بود. مادرمان تعریف می‌کرد: در سال اول ازدواج‌شان، یک روز در حال اتو کردن لباس پدر بودند که ناگهان پدر سر می‌رسد و از مادرم گله می‌کند که: شما خانم هستی

۱. بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰ اسفند ۱۳۷۵.
 ۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶.
 ۳. رهبر معظم انقلاب، خطبهٔ عقد، ۲۸ شهریور ۱۳۷۹.

و وظیفه‌ای در قبال انجام کارهای شخصی من ندارید. شما همان قدر که به بچه‌ها برسید کافی است. من تا آنجا که یاد دارم پدرم لباس‌هایش را خودش می‌شست و پهن و جمع می‌کرد و اتو می‌زد. به طور کلی انجام تمام کارهای شخصی‌اش با خودش بود. در امور منزل هم به محض رسیدن به خانه به مادر کمک می‌کردند و اینک او را تا پاسی از شب ادامه می‌دادند. اگر مثلاً قرار بود آشپزخانه‌مان را در طول سال مثلاً صد بار بشوییم، به جرأت می‌گویم ۹۵ مرتبه‌اش را ایشان به عهده می‌گرفتند.^۱

برترین محراب

تا وقتی این باور در ما درست نشود که خانه بزرگ‌ترین محراب عبادت است و نزدیک‌ترین موقف به خدا، خیلی از مشکلات حل نخواهد شد.

همانطور که یک عبادتگاه آداب دارد، خانه نیز به عنوان یک محل عبادت نیازمند رعایت آدابی است. یکی از آداب استفاده از خطاب‌های مناسب توسط اهل خانه در تعامل با یکدیگر است. اینکه مادر و پدر همدیگر را با کلماتی محبت‌آمیز صدا کنند. این‌ها روابط را صمیمی‌تر و زیباتر می‌کند.

به هر حال باید باور کنیم که خانه عبادتگاه است. روزی پیامبر ﷺ از اصحاب خود سؤال کردند: «مَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا» در چه هنگامی زن به خداوند نزدیک‌تر است؟ اصحاب نتوانستند به این سؤال پاسخ بدهند. وقتی این سؤال به گوش فاطمه رسید، جوابی داد که پیغمبر ﷺ از شنیدن پاسخ زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ خوشحال شد و فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي» فاطمه پاره تن من است.

پاسخ فاطمه به سوالی که اصحاب عاجز بودند از پاسخ‌ش این بود که «أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرَّ بَيْتَهَا»^۲ در خانه ماندن زن نزدیک‌ترین حالت اوست به خدا. کافی است باور کنیم که می‌توانیم

۱. نک: امیرحسین انبارداران، امیر دلاور، ص ۲۷ و ۲۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

با انجام همین اعمال ساده‌دمدستی و همین کارهای ساده‌خانه رشد کنیم. متأسفانه ما به مادر بودن و مادری‌های زن‌هایمان افتخار نکرده‌ایم! اینکه امروز بعضی‌ها فکر می‌کنند رشد و موفقیت در تحصیل و مدرک و شغل است، نه چیز دیگر، نتیجه همین نوع نگاه غلطی است که ارزش مادری را نادیده می‌گیرد. این می‌شود که زنی که شاغل است و مادری را ننگ‌وعار می‌داند را اعتبار می‌دهیم و احترامش می‌کنیم. اما زنی که مادر است و در خانه مادری می‌کند را بی‌اعتبار می‌دانیم و می‌گوییم نتوانسته خودش را بالا بکشد!

رفتارهای غلط

بدون شک یکی از عواملی که این نوع نگاه را دامن زده رفتارهای غلط ما مردهاست. اگر در زندگی‌هایمان از همسری که در خانه داریم و الآن مادر بچه‌هایمان است تقدیر می‌کردیم و به‌خاطر مادربودنش قدردانی‌اش می‌کردیم و ضعیف‌مان بهتر بود.

همسر شهید صیاد شیرازی نقل می‌کند که یک روز در زدند. بیک بود. نامه آورده بود. قلبم ریخت. فکر کردم علی شهید شده و وصیت‌نامه‌اش را آورده‌اند. نامه را گرفتم. باز کردم. یک انگشتر عقیق برایم فرستاده بود از جبهه. نوشته بود: «این انگشتر را فرستادم به پاس صبرها و تحمل‌های تو. به پاس زحمتهایی که کشیده‌ای. این را به تو هدیه کردم»^۱.

تحقیر خانه‌داری و فرزندآوری و فرزندپروری ریشه‌های عمیقی دارد که ما هم در آن مقصریم. نوع نگاه و رفتار ماست که خیلی به این وضعیت بد دامن زده است و ما مسئولیم. روایت می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَغْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَغْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصُ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۲ (اما حق کسی که بر تو خوبی کرده آن است که سپاسگزارش باشی و خوبی‌اش را به زبان آورده و منتشر کنی و در حقش خالصانه دعا کنی.) و بزرگان

۱. نک: رضا رسولی، یادگاران ۱۱: کتاب صیاد شیرازی.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۲.

ما واقعاً به این روایت عمل می‌کردند. نوه امام علیه السلام نقل می‌کند: امام علاقه و محبت وافری به همسرشان داشتند به طوری که از نظر امام همسرشان در یک‌طرف قرار داشت و بچه‌هایشان در طرف دیگر و این دوست داشتن با احترام خاصی همراه بود. یادم هست یک‌بار که خانم مسافرت رفته بودند آقا خیلی دل‌تنگی می‌کردند. وقتی ایشان اخم می‌کردند، ما به شوخی می‌گفتیم اگر خانم باشند آقا می‌خندد، وقتی نباشند آقا ناراحت هستند و اخم می‌کنند. خلاصه ما هر چه سر به سر آقا گذاشتیم اخم ایشان باز نشد. بالاخره من گفتم خوش به حال خانم که شما این قدر دوستشان دارید امام گفتند: «خوش به حال من که چنین همسری دارم. فداکاری که خانم در زندگی کردند، هیچ‌کس نکرده است.^۱ خانم حضرت امام علیه السلام می‌گوید:

چون بچه‌هایشان شب‌ها خیلی گریه می‌کردند و تا صبح بیدار می‌ماندند امام شب را تقسیم کرده بودند؛ یعنی مثلاً دو ساعت خودشان از بچه نگهداری می‌کردند و خانم می‌خوابیدند و دو ساعت خود می‌خوابیدند و خانم بچه‌ها را نگهداری می‌کرد. روزها بعد از تمام شدن درس، امام ساعتی را به بازی با بچه‌ها اختصاص می‌دادند تا کمک خانم در تربیت بچه‌ها باشند.^۲

این نوع رفتار و نگاه درست به همسر در میان شهدای ما هم هست به‌عنوان نمونه همسر شهید حجت‌الاسلام غلام‌حسین حقانی نقل می‌کند: ایشان خیلی با محبت بوده. با خوش‌اخلاقی و متانت خود، انسان را آرام می‌کرد. غم و غصه را می‌برد. حتی

۱. زهرا اشراقی

۲. مهدی محمدی صیفار، مشق مهر/ سیره خانوادگی علما و بزرگان دین، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۵۰.

شده بود من بد اخلاقی می‌کردم ولی او هیچ وقت حتی یک داد هم نکشید! سر زبان همه بود که می‌گفتند: ببینید فلانی با زنش چطوره ... گاهی دو ماه نبود؛ وقتی می‌آمد، با کارها و خوبی‌هایش جبران می‌کرد. مسافرت می‌رفتیم مشهد. وقتی به مشهد می‌رسیدیم می‌گفت: "بچه‌ها با من. شما کار نداشته باش." بچه‌ها را مراقبت می‌کرد. می‌گفت: "تا حالا تو بچه‌ها را نگه می‌داشتی، حالا من می‌خواهم نگه دارم. شوخی می‌کرد و می‌گفت: "الآن من مامانم به بچه‌ها می‌گفت: "هر کاری دارید الآن به من بگید، مامانتون به اندازه کافی زحمت کشیده." باید نگاه مردهای ما از این نوع نگاه‌ها باشد. اما افسوس که یکی از اصلی‌ترین قشرهایی که در این انحراف نقش داشته و دارند، مردهایی هستند که قدردان جایگاه متعالی و مقدس زن خانه‌دار نبوده‌اند. بالاتر از این‌ها کسانی هستند که به این مقام بی‌حرمتی کرده‌اند و آن را پایین کشیده‌اند. باید باور کنیم که تحقیر خانه‌داری، گناهی است نابخشودنی. رفتار مرد با همسرش نباید به گونه‌ای باشد که زن احساس کند عزت و احترام زنایی که در بیرون از خانه کار می‌کنند، خیلی بیشتر از آن زنی است که تمام‌قد و تمام وقت مشغول مادری است و همسررداری. بعضی مردها فکر می‌کنند کار فقط برای بیرون از خانه است و زنانشان در خانه فقط مشغول خوردن و خوابیدن‌اند؛ در حالی که برای زنان خانه محیط استراحت نیست: خانه‌داری و غذا و نظافت و بچه‌داری و هزار جور کار ریز و درشت، تمام وقت زن‌های خانه‌دار را پر می‌کند. طبیعی است که زن هم خسته شود و دلگرمی شوهرش را بخواهد. اگر این دلگرمی‌ها و این درک نباشد زن هم دلسرد می‌شود و همین می‌شود که بعضی‌ها از مادر شدن و مادری کردن دل خوشی ندارند. بدون شک رفتارهای ما با مادر بچه‌هایمان خیلی مهم است. این رفتاری را که یک مرد در خانه انجام می‌دهد، فرزندها هم می‌بینند؛ می‌بینند که پدر

اصلاً برای این مادری که دو بچه دارد چه ارزشی قائل است. همین در رفتار آن بچه هم تأثیر می‌گذارد. اگر رفتارمان ارزش مادری را نشان بدهد دخترمان هم درک می‌کند که مادر و مادری‌هایش چقدر با ارزش است اما اگر رفتارمان طوری باشد که انگار مادر هیچ جایگاهی ندارد این بچه هم می‌بیند و در آیند خودش هیچ رغبتی به مادر شدن و مادری کردن نشان نمی‌دهد.

بهترین همراه

کسی که این‌طور نگاه می‌کند خانه‌اش عبادتگاه است و همه کارهایش عبادت و بندگی خدا. بی‌خود نبود که فاطمه علیها السلام می‌فرمود: «سَغَلْنِي عَنْ مَسْئَلَتِهِ لَذَّةُ خِدْمَتِهِ»؛ (لذتی که من از حضور در خدمت خدا می‌برم، من را از هر خواسته دیگری منصرف کرده است)؛ یعنی تمام زندگی من غرق یک هدف و یک خواسته و یک لذت هست. «لَا حَاجَةَ لِي غَيْرُ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِهِ الْكَرِيمِ» مرکز و هدف اصلی من خداست. آن قدر درگیر لذت خدمت به خدا هستم که حتی چیزی برای خودم نمی‌خواهم. پس همه کارهای فاطمه عبادت بود: گندم آسیاب کردنش، بچه شیردادنش، گهواره جنباندنش، نان درست کردنش.

بی‌خود نبود که پس از ازدواجشان، علی علیه السلام در جواب پیامبر صلی الله علیه و آله که پرسیده بود فاطمه را چطور یافتی فرمود: «نَعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»^۲ (بهترین یار و همراه در طاعت خداوند). فاطمه در زندگی بهترین همراه برای عبادت خدا بود. کمی روی عبارت دقت کنید. علی علیه السلام در جواب پدری که دخترش را به خانه‌اش فرستاده چنین حرف می‌زند. یعنی زندگی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام سراسر عبادت بود و عبادتگاهشان همان خانه کوچک و گلی. آن وقت همین خانه می‌شود خانه‌ای که جبرائیل از بودن در این خانه لذت می‌برد. خانه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بوی بهشت را استشمام می‌کند. کدام خانه؟ همان خانه‌ای که بعد از نزول آیه تطهیر، به مدت شش ماه یا نه ماه، هر روز پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌آمد مقابلش می‌ایستاد و آیه تطهیر را تلاوت

۱. نهج الحیاة، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، محمد دشتی، ص ۹۹، ح ۵۶.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۵۶.

می‌کرد. بعد می‌فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ»^۱ یعنی مردم مدینه بدانید این خانه، خانه وحی است. مردم مدینه پیغمبر بدون اجازه وارد این خانه نمی‌شود. جبرئیل بدون اجازه وارد این خانه نمی‌شود. اما بعد از پیغمبر با این خانه چه کردند؟ هر چه فاطمه عليها السلام صدا زد: «من دختر پیغمبرم». هر چه صدا زد: «من یادگار رسالتم». فایده‌ای نداشت. هیزم آوردند و در این خانه را به آتش کشیدند.

صدا صدای دَر و مادری که پشتِ دَر است
صدا صدای شکستن، دَری که شعله‌ور است
حرام‌زاده چنان با لگد به دَر کوبید
که بارِ شیشه شکست و دودست، روی سر است
شکست بالِ کبوتر، بیابا برس فِضَه
بیابا که سهم تو این خرده‌های بال‌وپر است

تا فاطمه عليها السلام بین درودیوار قرار گرفت، ناله اول صدا زد: «یا ابتاه یا رسول الله، هكذا كان يُفعل بِخبيبتك وابتك»؛ بابا بین با دختری دارند چه می‌کنند؟! پدر که نداشت، جوابی نیامد. مادر که ندارد، چه کند فاطمه عليها السلام؟! برادری نداشت که صدایش کند، اینجا دیگر صدا زد: «آه یا فِضَة إِلَيْكَ فَخِذْنِي، فقد والله قتل ما في أحشائي»^۲ کنیز خانه‌اش را صدا زد: «فضه بیبا! به خدا محسنم را کشتند.

۱. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور سیوطی، ج ۵، ص ۱۹۹.

۲. شیخ عباس قمی، بیت الأحزان، ج ۱، ص ۱۲۱.

کتابنامه

۱. قرآن کریم

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **علل الشرائع**، ج ۱، چ ۱، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب** علیه السلام، ج ۳ و ۴، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، چ ۱، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید**، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲۰، چ ۱، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی (للسدوق)**، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۳ و ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن سعد کاتب واقدی، **طبقات الكبرى**، ج ۷، لبنان، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۹. اخطب خوارزم، موفق بن احمد و محمد سماوی، **مقتل الحسین** علیه السلام.

ج ۱، ۲، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۳ق.

۱۰. بحرانی اصفهانی، عبد الله، **عوالم العلوم و المعارف و الأحوال**

من الآيات و الأخبار و الأقوال / مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد،

ج ۱، ۱، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۳ق.

۱۱. پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحة: مجموعه كلمات قصار حضرت**

رسول صلى الله عليه وآله، ج ۴، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.

۱۲. جمعی از نویسندگان، **الحياة** / ترجمه احمد آرام، ج ۱، ۱، تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۱۳. حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، **التفسير المنسوب**

إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ج ۱، قم: مدرسة الإمام

المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۰۹ق.

۱۴. خمینی، روح الله، **صحيفه امام**، ج ۷ و ۹ و ۱۹، ج ۵، تهران: موسسه

تنظيم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، ۱۳۸۹ش.

۱۵. الدر المنثور في التفسير بالماثور سيوطی، ج ۵، ص ۱۹۹.

۱۶. دشتي، محمد، **نهج الحياة**، فرهنگ سخنان فاطمه عليها السلام،

ج ۱، قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین ع، ۱۳۷۲ش.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ**

قرآن، ج ۴، ۲، تهران: مرتضوي، ۱۳۷۴ش.

۱۸. شعيري، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ج ۱، نجف: مطبعة حيدرية،

بی تا.

۱۹. شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشيعة**، ج ۱، ۲، ۳ و ۵،

ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۲۰. **صحيفه سجاده**

۲۱. طباطبایی، محمد حسین، **الميزان في تفسير القرآن**، ج ۸، ۲،

بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۳۹۰ق.

۲۲. طباطبایی، محمد حسین، **ترجمه تفسير الميزان**، ترجمه محمد

باقر موسوی، ج ۱۵ و ۱۶، ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.

۲۳. طبرسی، احمد ابن علی، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، ج ۱، چ ۱، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. طبری آملی، عماد الدین، **بشارة المصطفى لشيعة المرتضى**، ج ۲، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۳ق.
۲۵. علوی، سيدعلی اصغر، **امضای کوچک**، چ ۱، تهران: انتشارات سدید، ۱۳۹۵ش.
۲۶. قدرت الله عفتی، **مادر و مادری در اندیشه امام خمینی**، دسترسی در: پرتال امام خمینی، ۱۶ فروردین ۱۳۹۶.
۲۷. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، ج ۴ و ۷، قم: ۱۳۸۳ش.
۲۸. قطب‌الدين راوندی، سعيدبن هبه‌الله، **دعوات راوندی**، چ ۱، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۷ق.
۲۹. قمی، عباس، **بيت الأحزان في ذكر أحوالات سيدة نساء العالمين فاطمة الزهراء**، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹-۱۹۹۸.
۳۰. قمی، علی‌بن ابراهيم، **تفسیرالقمي**، ج ۲، چ ۳، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافي**، ج ۱ و ۵، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج ۳ و ۸ و ۳۰ و ۴۳ و ۵۳ و ۷۷ و ۱۰۱، چ ۲، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج ۴۳، چ ۲، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، **زندگانی حضرت زهرا**، (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار)، محمد جواد نجفی، چ ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **زندگانی حضرت زهرا**، (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار) ترجمه روحانی، چ ۴، چ ۱، تهران: انتشارات مهام، ۱۳۷۹ش.
۳۶. محمد دشتی، **نهج الحياه** / فرهنگ سخنان فاطمه، بی‌جا، بی‌تا.

۳۷. محمدی ری شهری، محمد، **دانشنامه امام حسین (علیه السلام) بر پایه قرآن**، حدیث و تاریخ، جمعی از نویسندگان، ج ۷، چ ۳، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸ش.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، و شیخی، حمیدرضا، **میزان الحکمة** (با ترجمه فارسی)، ج ۵، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹ش. مجلس پنجم: رنج شیرین مادری
۳۹. محمدی صیفار، مهدی، **مشق مهر** / سیره خانوادگی علما و بزرگان دین، چ ۱، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ش.
۴۰. مرضیه صدیقی، **نگاهی به روند جنبش زنان و موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران**، کتاب نقد، ص ۶۹، شماره ۱۲.
۴۱. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، ج ۲۵، چ ۸، قم: صدرا، ۱۳۷۲ش.
۴۲. مطهری، مرتضی، **یادداشت‌های استاد مطهری**، ج ۷ و ۵، چ ۱، تهران: صدرا، بی‌تا.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، **الإختصاص**، علی اکبر غفاری، و محمود محرمی زرنندی، چ ۱، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۴. ناصرکاوه، **کتاب شهدا و اهل بیت (علیهم السلام)**، حماسه‌های ناگفته، خاطره از مرحوم ابوترابی،
۴۵. نسائی، احمد بن علی، شمس‌الدین، احمد، حسن، سید کسروی، و بنداری، عبد الغفار سلیمان. **السنن الكبرى**، ج ۵، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱-۱۴۱۳.
۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۱۵، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۴۷. ویلدورانت، **لذات فلسفه**، ترجمه عباس زریاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵ش.
۴۸. **بیانات رهبر معظم انقلاب**، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای.